

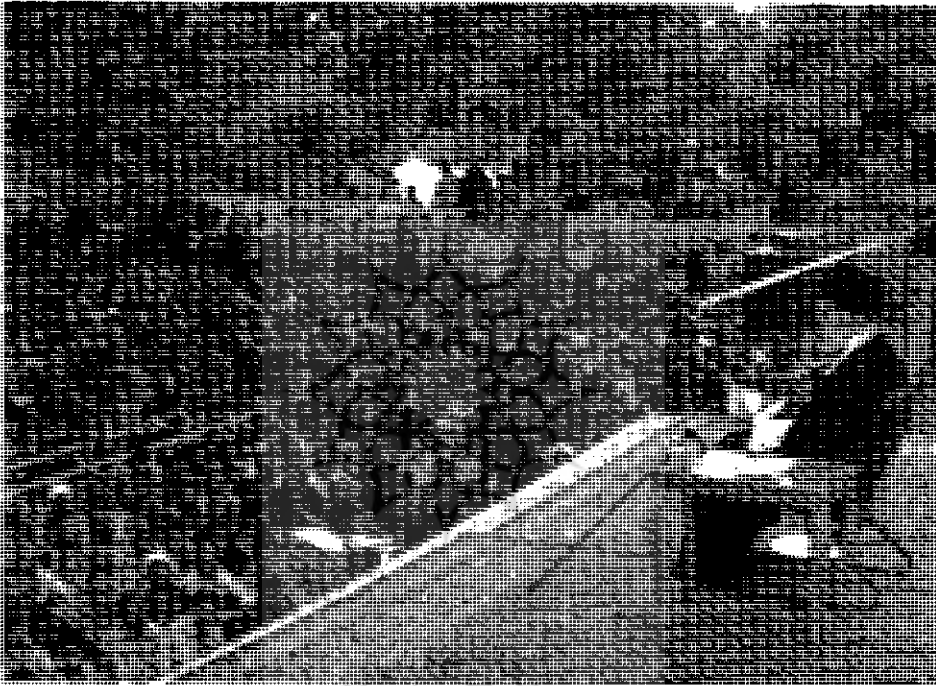
بخش اول

زندگی‌نامه‌ی آیت‌الله شیخ حاج عزیزالله علیمرادیان

پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

الف - زادگاه آیت‌الله علیمرادیان از زبان شخصیت‌ها

قبل از پرداختن به زندگی‌نامه‌ی آیت‌الله علیمرادیان در نیاوند به اظهارات چند نفر از شخصیت‌های کشور درباره‌ی زادگاه معظم‌له و سوابق تاریخی آن می‌پردازیم:



رهبر معظم انقلاب: پانزدهم تیرماه سال جاری (۱۳۸۳) مردم شریف و انقلابی استان همدان میزبان مهربانی‌های رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بودند. رهبر فرزانه انقلاب در این سفر پربرکت در سخنانی به مفاخر علمی و شهدای عالی مقام نیاوند اشاراتی داشته‌اند که توجه خوانندگان محترم را به بخش‌هایی از بیانات

معظم^۱ له به قلم امام جمعه‌ی شهرمان (حجت‌الاسلام حاج شیخ‌عباس علی مغیثی) جلب می‌نماییم:

در تاریخ دوشنبه ۸۳/۴/۱۵ مقام معظم رهبری در جمع عمومی مردم، مسئولین و روحانیون استان همدان بیانات مبسوطی ایراد فرمود و از شهدا و مفاخر علمی استان به‌ویژه نهاوند یاد کرد که برای مردم استان مخصوصاً نهاوندی‌ها مایه‌ی افتخار و غرور مذهبی و ملی شد.

وقتی از شهدای روحانیت نام برد، به نام سه شهید، آیات قدوسی، حیدری و مفتاح اشاره فرمود که دو نفر از این شخصیت‌های شهید و روحانی نهاوندی هستند و وقتی از مفاخر علمی استان نام برد، بیش‌ترین مطلب را به آیت‌الله شیخ‌علی‌اکبر نهاوندی و آیت‌الله شیخ محمد نهاوندی اختصاص داد و فرمود آنان در مشهد از مشاهیر و مفاخر علمای عصر خود بودند و خود و والد بزرگوارشان از محضر این بزرگان بهره‌ی علمی برده‌اند و هنوز هم شبستان آیت‌الله نهاوندی در مسجد گوهرشاد یادآور آن بزرگوار است.

به حدی توجه و عنایت رهبر معظم و بیدار نسبت به نهاوند و مفاخر نهاوندی برجسته بود که در همان مجلس یکی از ائمه جمعه‌ی استان رو به حقیر کرد و فرمود: همه‌ی تعریف‌ها مخصوص نهاوند شد! و حقیر در جوابش گفتم البته این همه، گوشه‌ای از مفاخر نهاوند است و اگر مجال و فرصت باشد بیش از این‌ها جا دارد که از شهدای به‌نام و مفاخر این شهرستان قهرمان و دروازه‌ی ورود اسلام به ایران صحبت شود.^۱

۱- برگرفته از ماهنامه‌ی فردای‌نهاوند، سال پنجم، شماره‌ی ۵۱، ص ۳



حجرت الاسلام و المسلمین خاتمی رئیس‌جمهور

«نهادند نه تنها از نظر تاریخی بلکه از نظر فرهنگی و از نظر امکانات و استعدادهای طبیعی شهرستان، ممتاز است. از نظر وجود انسان‌های خیرخواه و فداکار نیز ممتاز است. نمونه‌ی خیرخواهی و فداکاری آن‌ها را در وجود این مجتمع عظیم و آبرومند مشاهده می‌کنید. هم‌چنین بیمارستان مجهز و آبرومندی که به دست و با کمک عزیزی که همین مجتمع را ایجاد کرده، در شهر نهند ملاحظه می‌کنید. بدون تردید اگر خیرخواهانی از این دست باشند و از امکانات خدادادی خود بهره بگیرند، هم کمک بزرگی به دولت کرده‌اند - که هزینه‌های بسیار سنگینی دارد و درآمدهایش متناسب و به اندازه‌ی نیازهای فزاینده این جامعه نیست - و هم به این مردم خدمت کرده‌اند.

من از صمیم قلب از وجود برادر عزیزمان جناب آقای مهندس علیمرادیان سپاس گزارم، و از فرزند آیت‌الله بزرگوار مرحوم آیت‌الله علیمرادیان هم جز این انتظاری نیست.

خدمت خیر دیگر ایشان احداث دانشکده‌ی تربیت بدنی و علوم ورزشی است که خوش‌بختانه موافقت تأسیس آن‌هم کسب شده است. من امیدوارم که با احداث این مجموعه و با احداث این دانشکده، این مجموعه کمال خود را بیابد و جوانان عزیز و ارجمند ما بتوانند با پرورش جسم و روح خویش بیش‌تر و بهتر در خدمت این ملت باشند و نیز امیدوارم که این دانشکده هسته‌ای باشد برای احداث دانشکده‌های دیگر و ان‌شاءالله در دراز مدت دانشگاه نهانند در کنار دانشکده تربیت‌بدنی راه‌اندازی شود...^۱»

آیت‌الله رسولی محلاتی

«شهر نهانند شما واقعاً یکی از مطلوب‌ترین شهرها و شاید بی‌نظیرترین شهرهای کشور ماست. از نظر تاریخی، قدمت این شهر به شش هزار سال قبل بر می‌گردد. قبل از اسلام در این شهر حوادث و وقایعی عظیم رخ داده است و مقارن با ظهور اسلام هم دروازه‌ی ورود اسلام به ایران بوده است.

سردارهایی از صدر اسلام، که در جنگ نهانند کشته شده‌اند، در این جا مدفون هستند. آنان با رشادت و دلیری وارد ایران شدند و به حکومت سلاطین مستبد گذشته‌ی ایران خاتمه دادند.

۱- قسمتی از سخنرانی حجت‌الاسلام سید محمد خاتمی، رئیس‌جمهوری اسلامی ایران در نهانند، به‌هنگام افتتاح مجتمع فرهنگی- ورزشی مهندس علیمرادیان (نهانند) تیرماه ۱۳۷۸

امتیاز دیگر نهاوند این است که در طول تاریخ یک شهر مذهبی و علمی بوده و تا جایی که یادم هست علمای بسیاری را در دامان خود پرورش داده است. مرحوم شهید علی قدوسی [اولین دادستان کل انقلاب اسلامی ایران] یکی از این شخصیت‌های روحانی است که من چندین سال با ایشان هم مباحثه بوده‌ام. در سفر حج هم حدود یک ماه و نیم در کنار هم بودیم. خلیقات و صداقت ایشان زبان‌زد همگان بود و در طول آن سفر من از ایشان بهره‌های اخلاقی و روحی فراوان گرفتم. خدا ان‌شاء الله با شهدای صدر اسلام محشورش بدارد.

مرحوم شهید علی حیدری [اولین نماینده‌ی مردم نهاوند در مجلس شورای اسلامی] نیز از دوستان قدیم ما بود. پدر ایشان [آیت‌الله شیخ محمدولی حیدری] از علمای معروف قم بود و در حوزه‌ی علمیه با پدرم دوست صمیمی بود.

مرحوم آیت‌الله شیخ عزیزالله نهاوندی نیز از شخصیت‌هایی است که من در قم بارها خدمت ایشان می‌رسیدم. اکنون هم متوجه شدم که آقازاده‌ی ایشان که در خارج از کشور فعالیت دارد در این شهر منشأ خدمات فراوانی شده است.

از شخصیت‌های دیگر، همان‌طور که مقام معظم رهبری فرمود دو نفر از استوانه‌های علمی و تاریخی به نام مرحوم آیت‌الله شیخ محمد نهاوندی و آیت‌الله شیخ علی‌اکبر نهاوندی است که ایشان (رهبر) پشت سر شخصیت اخیر در مسجد گوهرشاد نماز خوانده است.



نمونه‌ای از وحدت و یکپارچگی روحانیون و مردم نهاوند در جهت استقرار جمهوری اسلامی ایران
 (با حضور آیت‌الله علیمرادیان ، شهید علی حیدری و ...)

آیت‌الله شیخ علی اکبر نهاوندی صاحب کتاب‌های بسیار زیادی است و احاطه‌ی عجیبی به متون تفسیری داشته است. به هر حال شهر نهاوند شما یک شهر استثنایی است و امیدواریم شما ان شاء الله وارثان خوبی برای این بزرگواران باشید.^۱



حضور آیت‌الله محلاتی در نهاوند در جمع تنی چند از مسئولان و مردم

۱- قسمتی از سخنرانی آیت‌الله رسولی محلاتی، نماینده‌ی مقام معظم رهبری در عزیمت به استان همدان (۱۳۸۳/۴/۱۵)، در نهاوند

آیت‌الله حاج شیخ احمدصابری همدانی (نماینده‌ی استان همدان در مجلس خبرگان رهبری)

نهاوند از شهرهای قدیم کشور ایران است که در تاریخ میهن ما درخشندگی خاص خود را دارد و عنوان فتح الفتوح از آن اوست و نقطه‌ی عطف در تاریخ جنگ اعراب مسلمان با امپراتوری ایران است که با تصرف شهر نهاوند قدرت ساسانیان به زوال گرائید.

پس از طلوع آفتاب اسلام در همدان و توابع آن، از جمله نهاوند صدای اذان و شعائر اسلامی به گوش مردم رسید. به تدریج شخصیت‌های دینی علمی عرفانی در نهاوند و غیر آن تربیت یافت و صدها عالم فرزانه و دانشمند و فرهیخته با مرکزیت علمی همدان در تمام استان زینت بخش کتب تواریخ و تراجم گردید که شهر نهاوند سهم زیادی در این فضیلت داشت و ابوالعباس نهاوندی از آن جمله است که در زمره‌ی عرفا قرار گرفت. در این اواخر شخصیت‌های برازنده و ارزنده‌ای از نهاوند برخاسته‌اند که از مفاخر و معارف این شهر محسوب می‌گردند که نگهداری و حفظ یاد و خاطره آنان نه تنها تعظیم علم و دانش بلکه تکریم و تجلیل از مردم این خطه است که از جمله‌ی آنان:

فقیه محقق زاهد، ادیب شاعر و متقی آقا میرزا عبدالرحیم نهاوندی ساکن تهران متوفای ۱۳۰۴ هجری قمری و فرزند بزرگوارش آیت‌الله حاج شیخ محمد نهاوندی مفسر و مؤلف تفسیر «نفعات الرحمن» در دو جلد به عربی و فارسی است که از ذخائر و مفاخر نهاوند است و در سال ۱۳۷۱ قمری وفات یافته است.



نمونه‌ای از راهپیمایی علمای نهاوند، از جمله مرحوم آیت‌الله علیمرادیان و شهید محمدعلی حیدری،
حجت‌الاسلام علی یونسی پیشاپیش مردم، در جهت مبارزه با حکومت پهلوی و برپایی جمهوری اسلامی

ب - زندگی‌نامه‌ی آیت‌الله حاج شیخ عزیزالله علیمرادیان نهاوندی

ولادت

مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عزیزالله علیمرادیان نهاوندی (۱۲۸۶ تا ۱۳۶۱ شمسی = ۱۳۲۵ تا ۱۴۰۳ قمری) از روحانیون شاخص و برجسته‌ی معاصر نهاوند بوده است. ایشان در سال ۱۳۲۵ قمری در این شهر مذهبی و تاریخی پا به عرصه‌ی حیات گذاشت و امسال (۱۴۲۵ قمری - ۱۳۸۳ شمسی) که این زندگی‌نامه درباره‌ی ایشان منتشر می‌شود یکصدمین سال ولادت آن بزرگوار به تقویم قمری است. خدمات اسلامی و معنوی این شخصیت سرشناس، و رفتار و سلوک کریمانه و محبت آمیزش با مردم شهر و روستاهای این شهرستان، فراموش نشدنی است.

آیت‌الله علیمرادیان تا قبل از مهاجرت به قم

این چهره‌ی مردمی و برخاسته از متن مردم از هفتاد و پنج سال عمر پربرکت خود، تنها نوزده سال آن را (از هجده سالگی تا سی و هفت سالگی)، که به تحصیل در حوزه‌های علمیه‌ی قم سپری شد، در نهاوند و در جمع همشهریان خود نبود. هرچند در این سال‌های تحصیلی نیز کم و بیش با زادگاه و همشهریانش در ارتباط بود و هر سال در ماه‌های محرم و صفر و در ایام تعطیلات حوزه‌ی علمیه، در نهاوند حضور داشت.

بنابراین، آیت‌الله علیمرادیان در بخش آغازین و پایانی عمر شریفش، یعنی به مدت پنجاه و شش سال، هم‌چنان با مردم زادگاه خویش زیست و همگان از پرتو علم و معنویت آن مرحوم روشنایی و بصیرت کسب کردند.

حاج شیخ محمد شریف رازی از نویسندگان معاصر، در کتاب هفت جلدی خود به نام «گنجینه‌ی دانشمندان» مختصری از زندگی ایشان را در جلد هفتم نگاشته و در آن‌جا بیان نموده که مدت چهل سال با این بزرگوار رفاقت و دوستی داشته و بر این اساس درباره‌ی ایشان مطلب نوشته است.



تصویری از دوران طلبگی آیت‌الله علیمرادیان

در این کتاب می‌خوانیم «وی در تاریخ هشتم شوال ۱۳۲۵ هجری قمری [۱۲۸۶ شمسی] در بلده‌ی نهاوند متولد شده و پس از تکمیل دروس فارسی مقدماتی در سال ۱۳۴۳ هجری قمری [۱۳۰۳ شمسی] به قم مشرف شده است. ^۱»

ایشان در سال ۱۳۱۱ موفق می‌شود به موازات تحصیل در حوزه‌ی علمیه گواهی سال ششم از دوره‌ی شش‌ساله‌ی متوسطه را نیز اخذ نماید. در جای دیگر نوشته است:

«مرحوم حاج شیخ عزیز سطوح اولیه و وسطا و نهایی را از مرحوم آقای سید مهدی کشفی و مرحوم حاج میرزا محمد علی ادیب و مرحوم حاج شیخ حسن فاضل و آیت‌الله شیخ محمد علی حائری قمی و آیت‌الله حاج سید احمد خوانساری و آقای گلپایگانی و مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله خوانساری متقن نموده.

مدت چهار سال هم از درس خارج مرحوم آیت‌الله حائری رضوان‌الله علیه استفاده نموده و هم پس از فوت معظم^{له} تا چندین سال حاضر درس خارج مرحومین علمین آیت‌الله حجت و آیت‌الله خوانساری و هم آیت‌الله صدر گردیده و از ایشان حظ وافر برده و پس از آن در سال ۱۳۶۴ هجری [۱۳۲۳ ش] مراجعت به وطن خود نموده و تاکنون به انجام وظایف و اقامه‌ی جماعت اشتغال دارد.

۱- رازی، حاج شیخ محمد شریف، گنجینه‌ی دانشمندان، ۱۳۵۴ قم، چاپخانه‌ی پیروز، جلد ۷، ص ۳۲۹

شماره ۵۹/۲۵۳ تاریخ ۱۵/۳/۱۳۱۱

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

اداره معارف و اوقاف قم و محلات

نظر بجاوده درم قانون مصوبه دهم دیماه ۱۳۰۷

نظر بجاوده اول نظامنامه مصوبه هیئت وزیران و نظامنامه مصوبه هیئت وزیران درم اسفند ۱۳۰۷

نظر تصدیق هیئت متحنه چون آقای آقا شیخ عزیز علیمرادیان فرزند محمد باقر

از جمله امتحانات سال ششم از دوره شش ساله متوسطه و نظامنامه امتحانات

برآمده از مشارالیه اجازه ادامه تحصیل داده میشود.

رئیس معارف و اوقاف قم و محلات

کفیل سید علی اکبر جعفری

تصویر اعلام قبولی آیت الله علیمرادیان در امتحانات سال ششم متوسطه از سوی رئیس معارف و اوقاف قم و محلات (۱۳۱۱/۱۱/۱۵)

تاریخ ۱۳۱۱/۳/۱۵

شماره ۵۹/۲۵۳

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

اداره معارف و اوقاف قم و محلات

نظر به مادهی دوم قانون مصوبه دهم دیماه ۱۳۰۷، نظر به مادهی اول نظامنامهی مصوبهی هیئت وزیران و عظام، مورخهی پانزدهم اسفند ۱۳۰۷، نظر به تصدیق هیئت متحنه، چون آقای آقا شیخ عزیز علیمرادیان فرزند کربلایی کریم از عهدهی امتحانات سال ششم از دورهی شش سالهی متوسطه و نظامنامهی امتحانات برآمده، لذا به مشارالیه اجازهی ادامهی تحصیل داده میشود.

رئیس معارف و اوقاف قم و محلات

کفیل سید علی اکبر جعفری

در سال ۱۳۶۴ هجری [۱۳۲۳ ش]^۱ که زوار ایرانی از عتبات عالیات مراجعت به ایران می‌کردند و در راه مبتلا به برف شدید و بستگی راه شدند جناب حاج شیخ عزیزالله همت نموده و تجار و اهالی نهاوند را تحریض و ترغیب نمود که از چندین زوار محترم پذیرایی کنند و در نهاوند آنان را نگهداری نمایند تا راه باز شود و مردم غیور و متدین و میهمان دوست نهاوند هم استقبال نموده و تا چند روز با آغوش باز آن مهمانان عزیز را پذیرایی شایان نمودند. جزاهم الله و اياه عن مزورهم خیراً.

نوشته‌های معظم^{له} در فقه و اصول و بعضی علوم دیگر است که به واسطه‌ی کثرت اشتغال، موفق به تکمیل آن‌ها نشده و از مراجع گذشته و حاضر چون مرحوم آیت‌الله العظمی سیدابوالحسن موسوی اصفهانی و مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله صدر و آیت‌الله سید عبدالهادی شیرازی اجازاتی دارند که بعضی از آن‌ها به نظر آیت‌الله العظمی بروجردی رسیده و تصدیق فرموده‌اند.^۲

والدین آیت‌الله علیمرادیان مرحومان حاج کریم و حاجیه خانم خدیجه (هر دو متولد چهارباغ نهاوند) و برادرانش دکتر ماشاءالله علیمرادیان و کربلایی رحیم علیمرادیان و خواهرش حاجیه خانم صدیقه علیمرادیان بودند.

نوجوانی آیت‌الله علیمرادیان در آن سال‌ها (تا ۱۳۰۳ شمسی)، با حضور در مکتب‌خانه‌های نهاوند برای تحصیل علوم مقدماتی و فراگیری دروس پایه رشد و کمال یافت. روح جست‌وجوگر ایشان، که طالب علم و دانش بود، از همین مکتب‌خانه‌ها

۱- این ماجرا در سال ۱۳۳۲ شمسی (۱۳۷۳ قمری) اتفاق افتاده است. سال ۱۳۲۳ شمسی (۱۳۶۴ قمری) سال ورود حاج شیخ به نهاوند است. «فرهنگان»

۲- به نقل از جزء دوم، آثار الحجج، یا تاریخ و دائرة المعارف، حوزه‌ی علمیه قم، مؤلف: محمد رازی، ناشر: کتاب‌فروشی برقی قم، ص ۳۷۴

مشتاق و بی‌قرار شد، به طوری که تا هجده سالگی در نهاوند از همه‌ی استادان و علمای شهر استفاده علمی نمود.

یکی از این استادان، عالم ربّانی آقا سید میرزا اسدالله کابلی معروف به نهاوندی بود که با دو فرزندش آقا هادی و آقا باقر در شهر نهاوند به آموزش علوم دینی اشتغال داشتند. آقا سید میرزا اسدالله در سال ۱۳۳۱ قمری [۱۲۹۰ شمسی] وفات نمود. استاد دیگرش مرحوم آیت‌الله حاج شیخ احمد قدوسی نهاوندی معروف به آقای آخوند (۱۲۴۴ تا ۱۳۳۳ شمسی = ۱۲۸۲ تا ۱۳۷۴ قمری) بود که بیست‌سال در نجف اشرف تحصیل نمود و سپس در نهاوند به تدریس و تبلیغ پرداخت. از او کراماتی نیز نقل شده است. آقای آخوند بهترین الگوی تقوا و مربی علاقه‌مندان به دانش و حکمت الهی بود.



مراسم نماز بر آیت‌الله ملا احمد قدوسی با حضور آیت‌الله علیمرادیان و آیت‌الله حیدری

یکی دیگر از استادان وی آیت‌الله آقا احمد آل آقا نهاوندی بود و مرحوم علیمرادیان به خصوص بعد از بازگشت از قم، چهار پنج سال از محضر ایشان بهره گرفت. مرحوم آقا احمد آل آقا در سال ۱۳۲۶ شمسی دار فانی را وداع نمود و آیت‌الله العظمی بروجردی به احترام او حوزه‌ی علمیه‌ی قم را تعطیل اعلام کرد. این عالم ربّانی در سال‌های آخر عمر خانه‌نشین شده بود. در حالی که پیش از آن بسیار فعال بود. از نوشته‌های معاصران مرحوم آل آقا چنین دریافت می‌شود که وی عارفی بزرگ، فقیهی دانشمند و شاعری نکته‌سنج بوده و چهره‌ی برجسته‌ای از علم، معنویت و اخلاق به شمار می‌آمده است.

حجت‌الاسلام علی دوانی که موفق به دیدار مرحوم آل آقا نبوده، هرچند یکی دوسال بعد از رحلت ایشان داماد این خاندان می‌شود، در مصاحبه‌ای بیان کرده‌است: «از مرحوم حاج شیخ عزیزالله علیمرادیان پرسیدم مرحوم آقا احمد آل آقا را از نظر علمی چه‌طور دیدید؟ گفت: سی سال بود که از درس و بحث دور مانده بود، ولی پیدا بود که فقیهی پرمایه است ولو تارک شده بود.^۱»

حجت‌الاسلام دوانی در ادامه‌ی مصاحبه، راجع به شخصیت‌های بعد از مرحوم آل آقا اظهار داشت: «پس از وفات مرحوم آقا احمد آل آقا امور دینی شهر به وسیله‌ی مرحومین حاج شیخ عزیزالله علیمرادیان و آقا شیخ محمدولی حیدری اداره می‌شد. آن دو روحانی با هم کار می‌کردند و در مقابل حوادث روز و مشکلاتی که برای مردم پیش می‌آمد موضع‌گیری خوبی داشتند.

همین تفاهم دو روحانی فعال و بیدار و وظیفه‌شناس و آمر به معروف و ناهی از منکر، پس از رحلت علمای بزرگ سابق، شهر نهاوند را به صورت شهری خوب و دارای

مردمی مسلمان و متدین زبانزد خاص و عام کرده بود، به طوری که همه می گفتند: نیاوند نسبت به شهرهای اطراف از وضع بسیار مطلوبی برخوردار است.^۱

آقای علاءالدین شیخ الاسلامی، از شخصیت‌های نیاوندی که خود عالم زاده است، در خاطراتی راجع به آیت‌الله علیمرادیان نوشته: «در سال‌های ۱۳۱۴ و ۱۳۱۵ که ایشان (آیت‌الله علیمرادیان) طلبه‌ای در قم بود، در ماه‌های محرم و صفر و نیز ماه مبارک رمضان، که حوزه علمیه قم تعطیل بود از قم به نیاوند تشریف می آورد و هر روز صبح دوساعت نزد مرحوم پدرم حجت‌الاسلام محمدصادق شیخ‌الاسلام به درس شرح گمعه مشغول بود و از پدرم استفاده‌ی علمی می کرد و مورد توجه شخص ایشان بود.»

آن‌گاه در تشریح سیره‌ی اخلاقی و تربیتی ایشان اظهار داشت «مرحوم آیت‌الله علیمرادیان در مجالسی که تشریف داشت و من خدمتشان می رسیدم، آن بزرگوار با داشتن کهولت سن بلند می شد و اظهار لطف می نمود و بارها می فرمود که شما فرزند کسی هستید که بر من حق استادی داشت.»

مهاجرت به قم

آیت‌الله علیمرادیان در هجده سالگی، که شهر نیاوند را برای ادامه‌ی تحصیل کافی نمی‌دانند، به تبعیت از حکم قرآنی جهت تقفّه بیش‌تر در دین^۲ خود را برای مهاجرت به قم آماده می‌کند.

ایشان از نیاوند، با همه‌ی جاذبه‌هایش دل می‌کند و به سوی قم می‌شتابد. دل‌کندن از شهر آبا و اجدادی، دور شدن از رفاه خانوادگی، انتخاب غربت و تن‌دادن به

۱- فصل‌نامه‌ی فرهنگان شماره‌ی ۱، ص ۲۱

۲- فلو لا نفر من کل فرقه ... آیه‌ی ۱۲۲ سوره‌ی توبه.

زندگی ساده‌ی طلبگی تصمیمی جدی بود، هرچند با تحمل سختی‌های فراوان همراه بود. اما برای چنین جست‌وجوگر مشتاقی، این مسیر پر از فرلزه و نشیب هموار شد. در روزگاری که مردم شهرها، به خصوص قشرهای نسبتاً مرفه در فکر رسیدن به آرامش بیش‌تر و گذران زندگی معمولی بودند، ایشان به وضع موجود پشت پا زد و مهاجرت را برگزید تا بتواند علوم الهی را از علمای طراز اول کسب کند و عشقش را به فراگیری نکات قرآنی و عرفانی کمال بخشد.

آیت‌الله علمیرادیان مصداق یک مهاجر فی سبیل‌الله بود و در واقع به دستور الهی و با پیروی از احکام خداوند به چنین هجرتی پرداخت و برای این مهم شهر مقدس قم را بر می‌گزید.

حوزه‌ی علمیه‌ی قم در این سال‌های مهاجرت به همت بزرگانی چون آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی و آیت‌الله العظمی حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی به جایگاه رفیع علوم شیعی ارتقا یافته بود و پا به پای حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف به تعلیم و ترویج مکتب تشیع می‌پرداخت.

در این سال‌ها (۱۳۲۳ - ۱۳۰۴ شمسی) آیت‌الله علمیرادیان دروس رایج حوزوی را به‌خوبی فرا می‌گیرد و برای خودسازی و تهذیب نفس در درس‌های اخلاقی نیز شرکت می‌کند و تا مرحله‌ی اجتهاد را با موفقیت می‌گذراند و - همان‌طور که بعداً به تفصیل می‌آید - آیت‌الله العظمی حاج سید محمد رضا گلپایگانی و آیت‌الله العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی به مناسب‌های مختلف از مقام تقوا و دانش ایشان تقدیر و تمجید می‌نمایند.

تشکیل خانواده در قم

آیت‌الله علیمرادیان چند سالی پس از گذراندن دوره‌ی طلبگی در قم با یکی از دختران باتقوا از خانواده‌ای قمی ازدواج کرد و در پایان تحصیلات و بازگشت به نهاوند تا پایان عمر با این همسر فداکار زندگی کرد.^۱

در این باره یکی از فرزندانشان (آقای علی علیمرادیان) توضیح می‌دهد: «مرحوم حاج آقا پس از این که به قم عزیمت نمود چندسالی در حوزه‌ی علمیه سکونت داشت. تا این که خانه‌ای را از مرحوم استاد علی یخچالی، در محله‌ی یخچال قاضی روبه‌روی حمام آقاملک اجاره نمود. این اجاره‌نشینی موجب شناخت بیش‌تر و اعتماد متقابل شد و چندی بعد، مرحوم حاج آقا با کسب اجازه از مرحوم پدرش (حاج کریم) یکی از دختران استاد علی را که فوق‌العاده متقی و مذهبی بود به نام حاجیه خانم ربابه یخچالی (علیمرادیان) به همسری انتخاب می‌کند.

مرحوم مادرم (زن آقا) بانوی وارسته‌ای بود. ایشان به شدت از غیبت، تهمت، زخم زبان زدن و امثال آن‌ها بیزار بود و امکان نداشت از کسی بدگویی کند.

مرحوم مادرم همیشه فرزندان خود را به صبر و بردباری و تقوا و همسررداری نصیحت می‌کرد و در کلیه‌ی مراسم مذهبی از جمله نماز جماعت، دعای ندبه و عزاداری‌ها شرکت می‌نمود و در امانت‌داری و رازداری فوق‌العاده مقید بود. بی‌شک یکی از عوامل پیشرفت مرحوم حاج آقا وجود گران‌بهای این همسر فداکار بود که تا پایان زندگی پرسعادتش همواره حامی و پشتیبان خوبی برای او به حساب می‌آمد.

۱- مصاحبه‌ی با حاج ابوالفضل احمدپور (بخش دوم)

به منظور جلوگیری از اطاله‌ی کلام فقط به یک مورد از عملکرد این مادر فداکار بسنده می‌کنم و آن این که یکی از خواهرانم تعریف می‌کرد که در زمانی که همسرش حجت‌الاسلام حاج شیخ محمدصادق شهبازی، جهت تبلیغ به خارج از قم رفته بود، مادرم در آن مدت به دلیل تنهایی ام مدتی به قم نزد من آمد. یک روز چند ساعتی بیرون رفتم. همین که برگشتم مادرم با آن لهجی شیرینش - که اکثر زنان همشهری مأنوس با ایشان با چنان لهجی آشنایند - گفت: ننه جون تا تو نبودی من یک مقداری نخ خیاطی آوردم و گوشه‌ی چادرم را وصله زدم، لطفاً آقای شهبازی که آمد از ایشان حلالیت بطلب. خواهرم به او گفت: مادر این چه حرفی است که می‌زنی. شوهرم که می‌داند تو این جایی و اهل این حرف‌ها نیست. مادرم گفت: ننه جون او می‌داند که من شام و نهار و صبحانه میهمان هستم، اما از مصرف نخ و سوزن که اطلاع ندارد. باید از ایشان برایم حلالیت بطلبی. (تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل)»

فرزندان آیت‌الله علیمرادیان

حاصل این ازدواج سه پسر به نام‌های علی اصغر، محمدحسین و علی و پنج دختر است. دختران حاج آقا تماماً ازدواج کرده و خانه‌دار هستند^۱ و پسران حاج آقا به ترتیب عبارت‌اند از:

- ۱- آقای علی اصغر علیمرادیان (متولد ۱۳۰۷ نهاوند). ایشان مدت کوتاهی مغازه داشت و سپس تا پایان حیات خود همواره در خدمت و ملازم پدر بود. او در سال ۱۳۷۶ شمسی به رحمت ایزدی پیوست و در جوار مرقد امام‌زاده محمد مدفون گردید.
- ۲- مهندس محمدحسین علیمرادیان (متولد ۱۳۲۱ نهاوند) تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در نهاوند به پایان رسانید و برای ادامه‌ی تحصیل به تهران و سپس به کشور آلمان عزیمت نمود و به اخذ مدرک مهندسی برق نایل گردید. در سال ۱۳۵۲ شمسی به ایران بازگشت و چندین سال فعالیت علمی داشت و مجدداً در خارج از کشور اقامت گزید. ایشان هم‌چنان با کشور و با زادگاهش نهاوند در ارتباط و در آمد و رفت است. مهندس علیمرادیان در سال‌های حساس منتهی به پیروزی انقلاب حضور چشم‌گیری در شهرستان نهاوند داشت و در سامان‌دهی و ایجاد و تقویت هم‌بستگی اسلامی و انقلابی بین همشهریان و جامعه‌ی روحانیت از جمله پدر بزرگوارش، آیت‌الله علیمرادیان، نقش تعیین‌کننده‌ای داشت. ایشان بعد از پیروزی انقلاب نیز، خدمات ارزنده‌ای به همشهریان خود نموده که مهم‌ترین آن‌ها به اختصار بدین شرح است:

احداث بیمارستان ۱۶۸ تختخوابی در نهاوند (این بیمارستان را به نام پدرش آیت‌الله علیمرادیان نام گذاری کرده است.)، احداث مجتمع فرهنگی - ورزشی مهندس

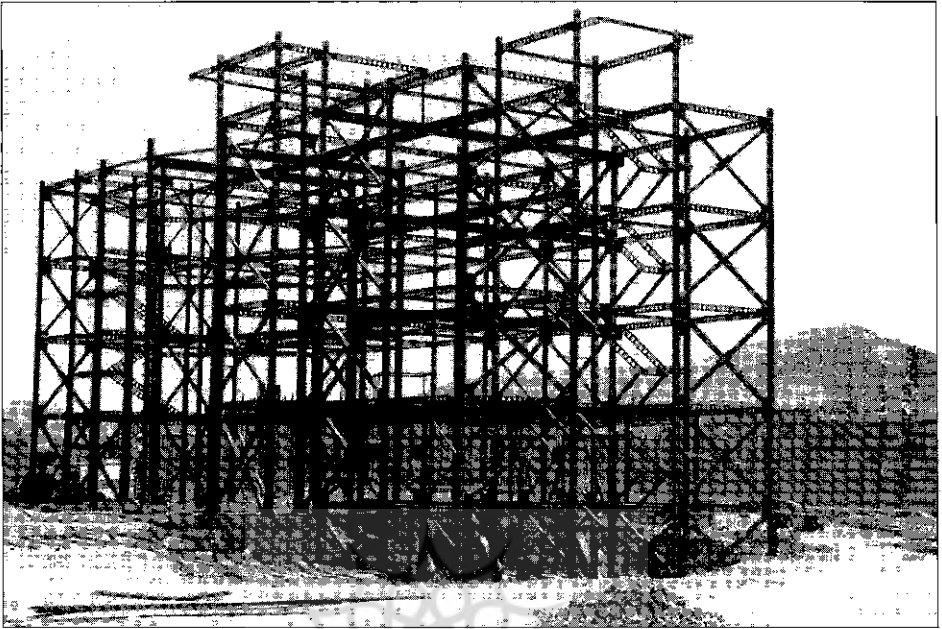
۱- همسرانشان عبارت‌اند از، حاج ابوالفضل احمدپور، حاج ابوالقاسم علیمرادیان، حاج مرتضی خدارحمی، عباس علیمرادیان و حجت‌الاسلام حاج صادق شهبازی.



نظر و وسط آقای مهندس علیمرادیان

علیمرادیان، بازسازی مسجد و حوزه‌ی علمیه سرخیان، تکمیل مسجد محمدیه و گرمابه‌ی علیمرادیان، احداث سالن اختصاصی کشتی مهندس علیمرادیان، کمک به خرید ساختمان دانشگاه پیام نور و راه‌اندازی آن، احداث دانشکده‌ی تربیت بدنی و علوم ورزشی نهاوند (در دست ساختمان)، کمک به ساخت مدرسه‌ی شبانه‌روزی کوهانی، کمک به تعریض و تکمیل بلوار ورودی شهر منتهی به بیمارستان آیت‌الله علیمرادیان، ایجاد باشگاه فرهنگی ورزشی ایران سوئیچ و ساپتا در نهاوند، تأسیس مؤسسه‌ی فرهنگی علیمرادیان در تهران و شعبه‌ی آن در نهاوند (از سال ۱۳۷۴)، حمایت از ورزشکاران در رشته‌های مختلف و برگزاری اردوهای کشتی تیم ملی جمهوری اسلامی ایران در نهاوند، کمک به تربیت بدنی شهرستان و تربیت بدنی آموزشگاه‌ها و ...

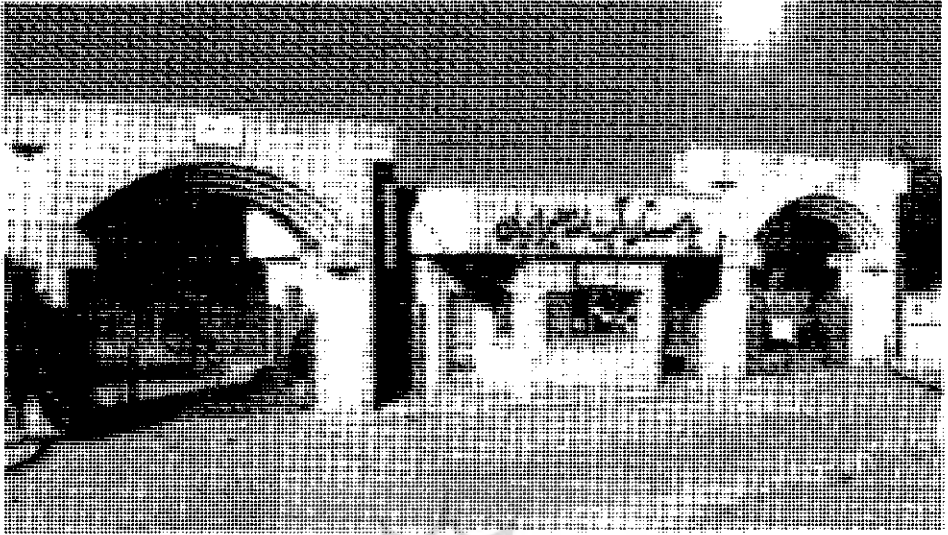
۳- آقای علی علیمرادیان (متولد ۱۳۲۴ نهاوند)، ایشان مدتی در وزارت تعاون و امور روستاها اشتغال داشت و پس از بازنشستگی، به عنوان نماینده‌ی مهندس علیمرادیان در دفتر تولیت بیمارستان آیت‌الله علیمرادیان انجام وظیفه می‌کند. ضمناً نظارت بر مجتمع فرهنگی ورزشی علیمرادیان را نیز در نهاوند به عهده دارد.



نمایی از دانشکده‌ی تربیت بدنی نهاوند (در حال احداث)



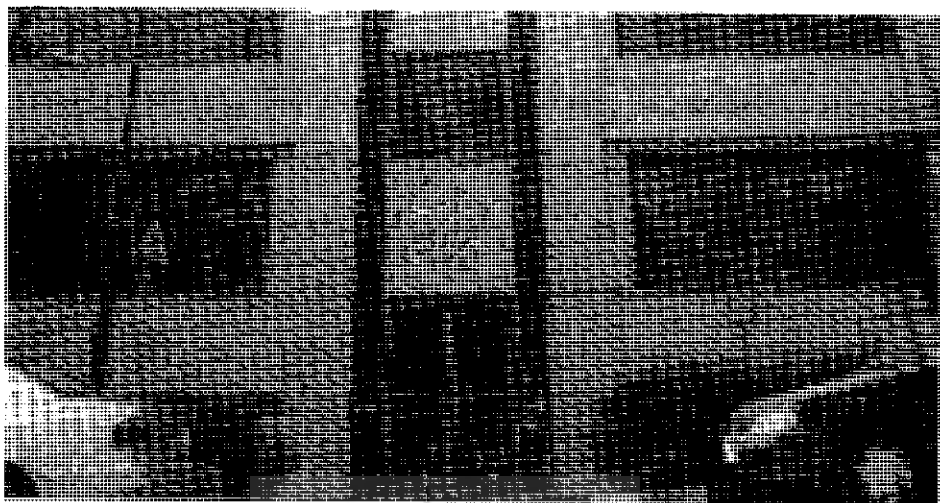
مسجد سر خیابان (پس از بازسازی)



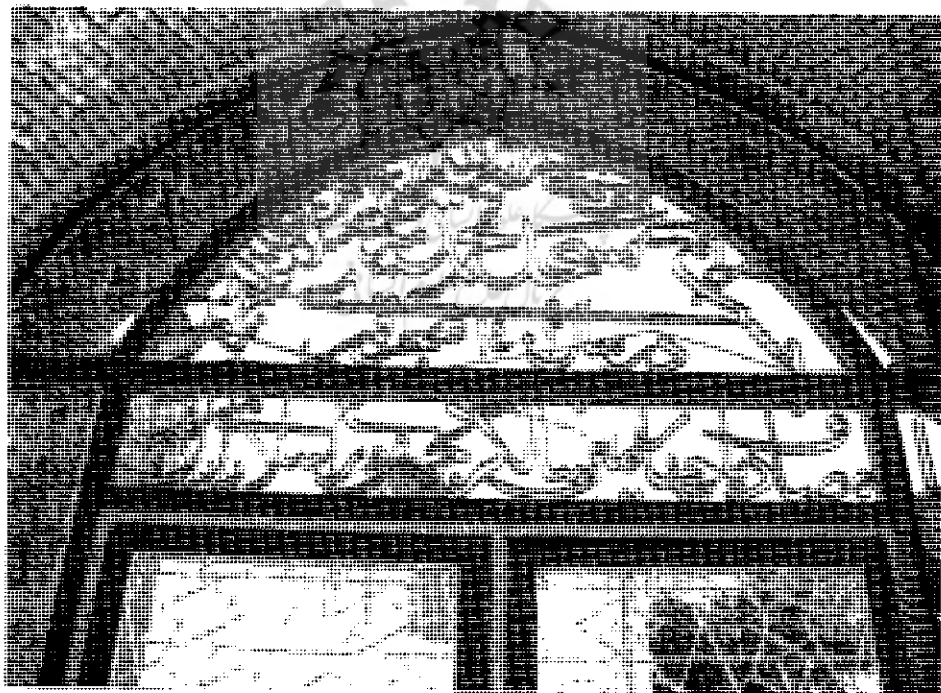
نمایی از بیمارستان آیت‌الله علیمرادیان



نمایی از مجتمع ورزشی مهندس علیمرادیان



نمایی از مؤسسه فرهنگی علمیرادیان



نمایی از مسجد محمدیه

استادان :

آیت‌الله علیمرادیان مدت چهار سال از درس خارج آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی مؤسس حوزه‌ی علمیه‌ی قم بهره می‌گیرد. در این سال‌ها بزرگانی چون حضرت امام خمینی (ره) نیز در درس خارج آیت‌الله حائری یزدی (مؤسس) شرکت می‌کردند. هم‌چنین درس خارج را در نزد بزرگانی مانند آیت‌الله العظمی شیخ محمدعلی اراکی می‌گذراند.

حاج شیخ محمد شریف رازی از هم‌درسان آیت‌الله علیمرادیان، درباره‌ی تحصیل ایشان در حوزه‌ی علمیه‌ی قم و استادان او چنین می‌نویسد: «[ایشان] در حوزه‌ی علمیه‌ی قم دروس و سطوح اولیه و وسطا و نهایی را در نزد اساتید بزرگ حجج اسلام و آیات عظام چون مرحوم حجت‌الاسلام حاج میرزا محمد علی ادیب تهرانی و مرحوم آیت‌الله حاج شیخ حسن فاضل و مرحوم آیت‌الله آقا شیخ محمدعلی حائری قمی و آیت‌الله حاج سید احمد خوانساری و آیت‌الله آقا شیخ محمدعلی اراکی و آیت‌الله حاج سید محمدرضا گلپایگانی فرا گرفته و چهار سال از درس خارج مرحوم آیت‌الله مؤسس حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی استفاده نموده و پس از فوت معظم له از درس‌های خارج آیت‌الله حاج سید محمدتقی خوانساری و مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله صدر استفاده و حظ وافر برده و در سال ۱۳۶۴ هجری قمری [۱۳۲۳ شمسی] به نهاوند مراجعت نموده است»^۱.

«از استادان دیگر آیت‌الله علیمرادیان سید مهدی کشفی، آیت‌الله آقا میرزا، محمد فیض و آیت‌الله میرزا عبدالهادی شیرازی است»^۲.

۱- رازی، حاج شیخ محمد شریف، گنجینه‌ی دانشمندان، ج ۷، ص ۳۲۹
 ۲- ستارگان نهاوند، تألیف حجت‌الاسلام علی مصباح، ص ۹۷

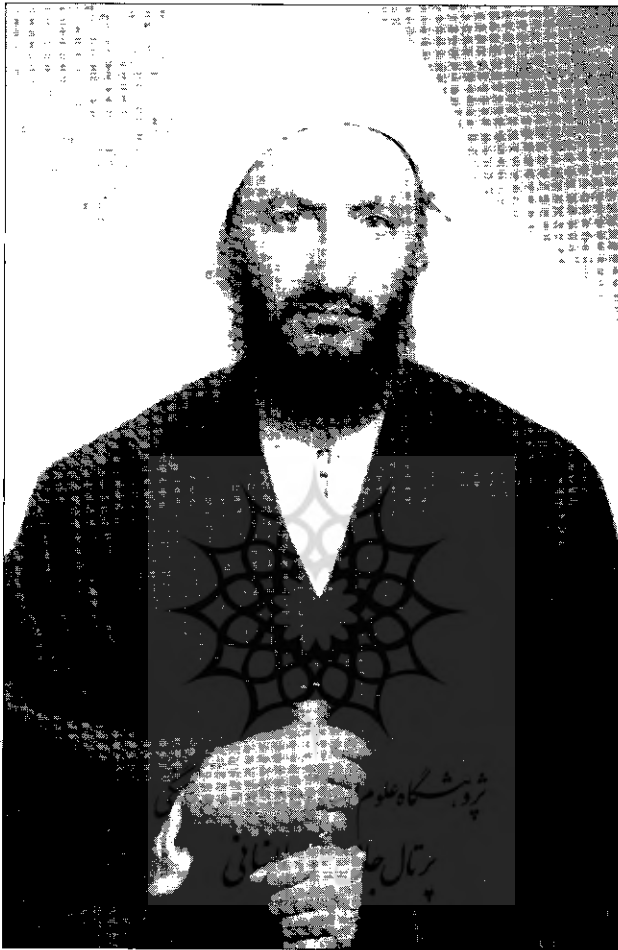
آقای حاج سید شجاع‌الدین فتاحیان ضمن بیان خاطراتی از ایشان اظهار داشت : «روزی به مناسبتی در دزفول با آیت‌الله قاضی ملاقات داشتم . ایشان از هم‌درسان مرحوم حاج شیخ بود . در این جلسه آقای حاج سید شمس‌الدین سیدان و مرحوم حاج سید محمد سیدان نیز حضور داشتند. آقای آیت‌الله قاضی فرمود آقای آیت‌الله حاج شیخ عزیزالله علیمرادیان مردی است متدین و با تقوا و تنها کسی است که در حوزه‌ی علمیه‌ی قم هم به اجتهاد و هم به استادی «علم جفر» رسیده است .

آقای عزت‌امیدی دبیر بازنشسته (پسر ارشد حاج قدرت‌الله امیدوی بزاز نهاوندی) نیز می‌گفت: «زمانی که من در آموزش و پرورش خوزستان بودم در نماز جماعت آیت‌الله قاضی شرکت می‌کردم. روزی ایشان احوال مرحوم حاج شیخ را از من پرسید و اظهار داشت قدرش را بدانید او تنها کسی است که «علم جفر» می‌داند.»

بازگشت به نهاوند

بالاخره زمان بازگشت به نهاوند فرا می‌رسد ایشان با این که شدیداً مشتاق بود تحصیلات عالی حوزوی را در قم ادامه دهد اما بنا بر تأکید و تکلیف پدر، در سال ۱۳۲۳ عازم زادگاه خود شد.

او که می‌توانست با داشتن درجه‌ی اجتهاد ، برای کسب مقام و موقعیت بیش‌تر در حوزه‌ی علمیه‌ی قم اقامت دائم داشته باشد، مقدر شد به سوی مردم شهرستان نهاوند روی آورد و تا پایان عمر در کنار همشهریان خود صمیمانه و بی‌تکلف زندگی کند و در این شهرستان منشأ اقدامات ارزشمند و گران‌قدری گردد.



ایشان در واقع مصداق بارزی از تحقق این آیه‌ی قرآنی است :

«... فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفه لیتفقوها فی الدین و لینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم لعلهم یحذرون (سوره‌ی توبه بخشی از آیه‌ی ۱۲۲ ، ترجمه‌ی عبدالمحمد آیتی).

«... چرا از هر گروهی دسته‌ای به سفر نروند تا دانش دین خویش را بیاموزند و چون بازگشتند مردم خود را هشدار دهند؛ باشد که از زشتکاری حذر کنند.»

آیت‌الله علیمرادیان نیز برای حفظ دین و ارشاد جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کرد، مهاجرت علمی را وظیفه‌ی شرعی خود دانست و طی مدت نوزده سال اقامت خود در قم موفق شد اجتهاد و فقاہت را به عنوان مقدمه‌ی واجب فراگیرد. مرحله‌ی بعد زندگی ایشان به ارشاد و انذار همشهریان اختصاص یافت. ایشان تا پایان عمر شریف خود این هدف را با عالی‌ترین انگیزه و بهترین روش، تحقق بخشید.

امید است سایر روحانیون مجتهد، فاضل و دانشمند نهاوندی، که هم‌اکنون در قم و شهرهای دیگر تحصیلات عالی حوزوی را پشت سر گذاشته‌اند، در تحقق آیه‌ی یادشده و به تاسی از مرحوم آیت‌الله علیمرادیان، بازگشت به زادگاه خود را عملی سازند و برای ترویج اسلام با روش‌ها و شیوه‌ای امروزی، دین خود را به مردم این شهرستان ادا نمایند و راضی نباشند به این که مساجد و حوزه‌های علمیه نهاوند از افاضه‌ی آنان محروم گردند و خود را به این قانع نکنند که بعضی طلاب جوان چند صباحی در هر مسجدی نماز جماعتی بر پا می‌کنند و منبری می‌روند و بدانند که نسل جوان و پسر سؤال امروز نهاوند نیازمند استادان و فقهای کارگشته و مجرب است.

این عالم ربانی از سی و هفت سالگی تا آخرین دقایق عمر خویش در این شهرستان به خدمت و مشکل‌گشایی مردم می‌پردازد. در شهری که در آن سال‌ها، تنها یک مدرسه (به نام دبستان بدر، تأسیس ۱۳۱۶ شمسی) داشت و امکان تحصیلات حوزوی هم‌برای

جوانان وجود نداشت و علاقه‌مندان به کسب علم و دین ناگزیر می‌باید این شهر را ترک می‌کردند، ایشان حوزه‌ی علمیه‌ی سرخیابان را در سال ۱۳۲۶ (ش) تأسیس کرد. در سال‌نامه‌ی فیروزان، که در سال ۱۳۳۶ شمسی توسط دبیرستان فیروزان نهانوند به مدیریت آقای علی‌رضا زابلی (دکترزابلی، وکیل و حقوق‌دان فعلی) به چاپ رسیده، در مقاله‌ای به قلم ایشان، ضمن اشاره به سابقه‌ی مدارس علوم قدیمه در نهانوند از مرحوم آیت‌الله علمیرادیان نیز به عنوان مؤسس مدرسه‌ی علمیه یاد شده‌است به این شرح:

«... نهانوند از لحاظ فرهنگ کهن، بسیار قوی و نسبت به خود مستغنی است. آنچه که در سازمان‌های مدارس علوم قدیمه و مدرسین آن‌ها می‌توان ذکر کرد، مدرسه‌ای است به نام «مدرسه‌ی میدان» در پایین قلعه‌ی تاریخی نهانوند، محلی که فعلاً [در آن‌جا] دبستانی به نام «دبستان بدر» برپاست.

این مدرسه در عصر خود از مدارس بالنسبه با اهمیت این حدود بوده و در شهرهای هم‌جوار کم‌تر نظیر داشته است و غالباً از سایر جاها طلاب برای کسب معلومات، به این مدرسه می‌آمده‌اند. از علمای این عصر باید نام «ملا محمد منجم» را در نظر داشت.

مدرسه‌ی دیگر، مدرسه‌ای است در بازار حاج میرزا آقا. این مدرسه در زمان حکومت [پهلوی اول] تبدیل به یک ساختمان با سبک جدید شد [دبستان سعدی فعلی]. در این مدرسه مدرسین عالی رتبه‌ای مشغول بوده‌اند، از قبیل مرحوم آقای شیخ جعفر، مرحوم ملا کاظم، مرحوم حاج شیخ رضا و مرحوم آقا هادی قدوسی.

علاوه بر مدرسین فوق، علمایی از قبیل آیت‌الله مرحوم آخوند ملا محمد حسن، مرحوم آخوند میرزا محمد تقی، مرحوم آقا محسن، مرحوم آخوند ملا محمد، مرحوم آخوند ملا اکبر، مرحوم آقا میرزا آقا و مرحوم حاج شیخ علی اکبر نهاوندی که در سال‌های اخیر در مشهد اقامت داشتند و در همان شهر به رحمت ایزدی پیوستند. ایشان از اجله‌ی پیشوایان شیعیان بوده‌اند.

دیگر از علمای نهاوند که در سال‌های پیش به رحمت ایزدی پیوسته‌اند شادروان آیت‌الله آل‌آقا، آیت‌الله [ملا احمد] قدوسی هستند که از بزرگ‌ترین دانشمندان عصر خود بوده‌اند مرحوم آیت‌الله قدوسی دارای سه فرزند ذکور هستند، که یکی از آنان به نام آقا علی قدوسی [شهید قدوسی] تاسی به پدر بزرگوار خود نموده و در این رشته گام بر می‌دارند و اکنون در حوزه‌ی علمیه‌ی قم مشغول تحصیل هستند و یکی از طلاب مورد توجه حضرت آیت‌الله بروجردی هستند.

در حال حاضر یک مدرسه علوم قدیمه در نهاوند هست که در چند سال پیش به همت آقای حاج شیخ عزیزالله علیمرادیان و حاج شیخ محمدولی حیدری و گروهی از مردم خیر تأسیس شده و تدریس در این مدرسه به عهده‌ی آقای حاج شیخ عزیزالله است. در محضر درس ایشان عده‌ی قابل ملاحظه‌ای مشغول تحصیل می‌باشند. آقای شیخ عزیزالله علیمرادیان، نهاوندی الاصل بوده، تحصیلات خود را در قم به پایان رسانیده و اکنون به سمت امام جماعت و مدرس مدرسه‌ی فوق‌الذکر مشغول‌اند.^۱

حجت‌الاسلام علی‌دوانی عالم و مورخ معاصر نیز در بخشی از مصاحبه‌ی خود اظهار داشته است :

« با احداث مدرسه و تأسیس حوزه‌ی علمیه در سال ۱۳۲۶، توسط مرحوم آیت‌الله علیمرادیان، جنب و جوشی علمی و فقهی در مدرسه ایجاد شد. وجود این حوزه موجب شد تا اهل منبر پیش‌تری به نهان‌د روی آورند و رفت و آمد آن‌ها تأثیر مطلوبی در این شهر و روستاهایش داشت. ولی در دو سفر اخیر مسجد و مدرسه را محتاج بازسازی دیدم و در سخنرانی‌ام ضرورت مرمت آن را یاد آور شدم.^۱»

درباره‌ی پیشینه‌ی احداث مدرسه‌ی علمیه‌ی «سرخیا بان» آقای سید شجاع‌الدین فتاحیان نقل کرده است: «مدرسه‌ی علمیه‌ی قبلی از مستحدثات مرحوم آیت‌الله آقامیرزا آقا حجت در راسته‌ی میرزا آقا بود، که بعد از فوت ایشان آقای مینایی رئیس فرهنگ وقت (آموزش و پرورش) آن را تصاحب نمود و به مدرسه علوم جدید تبدیل کرد. لذا مدرسه‌ی علمیه‌ی سرخیا بان بعد از این جریان احداث گردید و ضمناً بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، آیت‌الله علیمرادیان نامه‌ای به محضر حضرت امام خمینی (ره) مرقوم داشت و درخواست نمود که مدرسه‌ی یاد شده (واقع در راسته‌ی میرزا آقا) از تملک آموزش و پرورش خارج شود و مجدد در اختیار حوزه‌ی علمیه قرار گیرد، که این کار عملی شد و عملیات ساختمانی آن شروع گردیده است.»^۲

۱- فصل‌نامه‌ی فرهنگیان، جلد ۱۳، ص ۹۶

۲- به مصاحبه‌ی با سید شجاع‌الدین فتاحیان در بخش دوم مراجعه شود.

حجت‌الاسلام علی دوانی در ادامه‌ی اظهارات خود راجع به حوزه‌ی علمیه‌ی نهاوند گفته‌است: «از وضع طلاب، تعداد و نحوه‌ی تحصیلات و امکانات آن‌ها بی‌اطلاع هستم، ولی باید از طرف مقامات روحانی بیش‌تر و بهتر به آن برسند. روحانیون و ائمه‌ی جماعات در نهاوند کم هستند و این نقیصه‌ی بزرگی است که باید در رفع آن کوشید. در آن صورت این شهرستان سابقه‌ی خود را باز خواهد یافت و مورد توجه دیگران قرار خواهد گرفت.»^۱

احداث مدرسه و حوزه‌ی علمیه‌ی سرخیابان

همان‌طور که اشاره شد یکی از اقدامات آیت‌الله علیمرادیان احداث مدرسه و حوزه‌ی علمیه در نهاوند است. تبدیل حوزه‌ی علمیه‌ی آیت‌الله آقا میرزا آقا به دبستان در سال‌های قبل از ۱۳۲۰ موجب خلأ و رکودی در تربیت طلاب علوم دینی شده بود که برای عالم و شخصیتی روحانی چون آیت‌الله علیمرادیان قابل تحمل نبود. ایشان چند سالی پس از بازگشت به نهاوند در صدد برآمد به کمک مردم و حمایت پدرش مرحوم حاج کریم علیمرادیان این خلأ را پر کند. لذا به این مهم همت گماشت و سرانجام در سال ۱۳۲۶ شمسی مطابق با سال ۱۳۶۶ قمری این بنا تأسیس و افتتاح گردید. مرحوم آیت‌الله حاج شیخ‌علی‌اکبر حیدری نهاوندی آغاز به کار این مسجد و مدرسه‌ی علمیه را این چنین اعلام داشته است:

بنام ایزد دانای یکتا
 این بنا که محل ستایش یزدان پاک است
 در سال هزار و سیصد و بیست و شش شمسی مطابق
 با سال چهار و سیصد و هفتاد و شش
 قمری در سرپرستی حضرت شریعتمدار
 مروج الاحکام، ظاهر الاسلام، فهام علمام، آقای آشیخ عزیزالله
 علیمرادیان تشکیل و تکمیل گردید.
 خورّه علی اکبر حیدری نهایندی، ۱۳۲۶ شمسی

متن بالا تصویری از دست نوشته‌ی مرحوم آیت‌الله شیخ علی اکبر نهایندی است که در مرحله‌ی احداث مسجد و مدرسه‌ی معروف به سرخیان نهایند از لابه‌لای آجرهای ساختمان محراب مسجد، تعبیه شده در یک قوطی کوچک، در سال ۱۳۷۹ به دست آمد. اضافه می‌نماید عین یادداشت همراه با نوشته جدیدی مربوط به بازسازی اخیر، مجدداً در محراب مسجد به رسم سند و یادگار ضبط گردید.

اینک متن یادداشت:

به نام ایزد دانای یکتا، این بنا که محل ستایش یزدان پاک است، در سال هزار و سیصد و بیست و شش شمسی مطابق با سال یک‌هزار و سیصد و شصت و شش قمری به سرپرستی حضرت شریعتمدار، مروج الاحکام، ظاهر الاسلام، فهام علمام، آقای آشیخ عزیزالله علیمرادیان تشکیل و تکمیل گردید. خورّه علی اکبر حیدری نهایندی، ۱۳۲۶ شمسی.

یادآوری می‌شود پیش از احداث، زمین این مجموعه توسط مرحوم حاج کریم پدر آیت‌الله حاج شیخ عزیز الله خریداری می‌شود و به این امر اختصاص می‌یابد. آقای علاءالدین شیخ‌الاسلامی در این خصوص اظهار داشته است:

«من در آن زمان تصدی دفتر اسناد رسمی را به عهده داشتم و شاهد بودم که چگونه با پی‌گیری‌های آیت‌الله علیمرادیان و کمک‌های مردم خیر زمین و خانه‌های این محل (مجموعه‌ی فعلی مسجد و مدرسه‌ی علمیه‌ی سرخیابان) خریداری شد و به این امر اختصاص یافت.»

این مسجد و مدرسه‌ی علمیه از سال احداث تا سال ۱۳۷۵ شمسی که بخش مهمی از آن بازسازی شد، به مدت ۵۳ سال محل انجام فرایض دینی و فعالیت‌های مذهبی و تربیت طلاب علوم دینی بود. از آن‌جایی که شبستان مسجد جواب‌گوی حضور جمعیت را در سال‌های اخیر نداشت، فرزند این عالم برجسته، آقای مهندس محمدحسین علیمرادیان بنیان‌گذار بیمارستان آیت‌الله علیمرادیان و مجتمع عظیم فرهنگی - ورزشی نهاوند، یک بخش از این مجموعه را (مسجد) بازسازی می‌کند.

وسعت مسجد جدید حدود سیصد متر مربع است. دویست متر مربع آن فضای داخلی است و یک صد متر مربع آن به صورت بالکن مخصوص خانم‌هاست و در ورودی بالکن از داخل کوچه باز می‌شود و به سرویس بهداشتی مستقل مجهز شده است.

این بازسازی از اوایل همان سال (۱۳۷۹) شروع شد و مجموعاً هفت‌ماه به طول انجامید و در روز عید غدیر خم (اسفند ۷۹) افتتاح گردید و قرار است بخش دیگر آن (مدرسه‌ی علمیه) نیز بازسازی شود. هم‌اکنون پس از اجرای طرح توسعه، این مسجد رونق بیش‌تری گرفته است و از شبستان آن در مناسبت‌های مختلف استفاده می‌شود.

آقای شمس‌الدین سیدان همشهری اعلی قلم و نهاوند پژوه در کتاب خود از گذشته‌ی نهاوند و مساجد قدیم و جدیدش مطالبی نقل می‌کند. از جمله راجع به پیشینه‌ی مسجد و مدرسه‌ی علمیه‌ی سرخیابان می‌نویسد:

«این مدرسه در سال‌های اخیر به همت آیت‌الله حاج شیخ عزیزالله علیمرادیان ساخته شد که عده‌ای از طلاب علوم دینی در محضر ایشان به تلمذ مشغول بودند. در سالن مسجد این مدرسه علاوه بر نماز، مراسم ختم و فاتحه خوانی برگزار می‌شود.»^۱

نقش تربیتی مدرسه‌ی سرخیابان :

ثمرات و دستاوردهای این مدرسه‌ی علمیه از محدوده‌ی شهرستان نهاوند فراتر رفته است و هم‌چنان جریان دارد. شخصیت‌های برجسته‌ای از این مدرسه حتی به مراحل اجتهاد رسیده‌اند و تألیفات و تحقیقات گران‌قدری را به جامعه تقدیم نموده‌اند. این بزرگواران عمدتاً از شاگردان آیت‌الله علیمرادیان بوده‌اند و اغلب طلبگی را در محضر ایشان آغاز کرده‌اند.

راجع به نقش تربیتی مدرسه‌ی علمیه پای صحبت حجت الاسلام جناب آقای محمدی، سرپرست فعلی حوزه‌ی علمیه‌ی نهاوند می‌نشینیم :

این جانب چندین سال توفیق تشرف و تلمذ به محضر آیت‌الله علیمرادیان نصیبم شد. سپس در حدود ۲۲ سالگی، بعد از آن که جامع المقدمات و سیوطی و مقداری از شرایع محقق را خوانده بودم، مشتاق تکمیل معلومات حوزوی خود شدم.

۱- کتاب نهاوند در هزاره‌های تاریخ، شمس‌الدین سیدان، انتشارات آشتی، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۴۲۳

یادم نمی‌رود روزی که به محضر ایشان در مدرسه‌ی علمیه‌ی سرخیابان مشرف شدم حجت الاسلام حاج شیخ محمدولی حیدری، حاج ابراهیم کفراجی و حاج شیخ یوسف مولوی نیز در محضرشان بودند. ایشان برای حاج شیخ ابراهیم و حاج شیخ یوسف سیوطی می‌فرمود.

من در خواستم را برای شرکت در جلسات تدریس ایشان به محضرشان تقدیم نمودم. ایشان بعد از مشورت با آقای حیدری موافقت کرد در خدمتشان باشم و برای ادامه‌ی تحصیل در محضرشان تلمذ نمایم.

خلاصه در خلال ده دوازده سال بنده، شیخ ابراهیم و شیخ محمد یوسف در محضر مبارکشان اشتغال به تحصیل داشتیم و سیوطی، مُغنی، حاشیه فی المنطق، شمسیه، لمعتین فی الفقه، معالم الاصول و مُغنی اللیب را فرا گرفتیم.

الحق و الانصاف، آن بزرگوار بحر بی کران بود و با تسلط علمی و بیان کافی و شافی از عهده‌ی تدریس و تفهیم به طلاب به خوبی بر می‌آمد. حتی وقتی به اذن حضرتشان به قم مشرف شدیم کم‌تر مدرسی را یافتیم که در تدریس مباحث حوزوی و تفهیم به شاگردان این چنین مسلط باشد.

من صادقانه اعتراف می‌کنم هرچه داریم از افاضات ایشان است و پایه و بنیه‌ی علمی ما از اوست (الدال علی الخیر کفاعله). ایشان در مدرسه‌ی علمیه‌ای که احداث نمود سنّت حسنه‌ای را بنیاد نهاد که مصداق حدیث نبوی (ص) گردید: «مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً فَلَهُ اجْرُهَا وَ اجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا» یعنی هر کس سنت خوبی رواج داد و به آن عمل نمود، اجر اولیه‌ی او را دارد و به قدر ثواب هر کس که به آن سنت خیر عمل نماید، تا روز

قیامت بدون آن که از ثواب عاملین ذره‌ای کم شود، نصیب او خواهد شد. (شکرالله مساعیه).

ایشان، هنگامی که به اذن خودشان به قم اعزام شدم، به‌بنده‌ی ناقابل توصیه کرد: «من فرزند روحانی ندارم، فرزند روحانی من شما هستید. مرا از دعای خیر فراموش نکنید. خدا آگاه است که همیشه بنده به یاد او و وداع آن روز ایشان هستم؛ من عَلمنی حرفاً فقد صیرنی عبداً». یعنی هر کس یک حرف از علم و حکمت به من بیاموزد مرا بنده‌ی خود قرار داده است.

مهاجرت بنده به قم به اذن و کمک‌مادی حضرت استاد بود و پس از سال‌ها ادامه‌ی تحصیل و استفاده از دروس آیات و مراجع عظام، نهایتاً به امر حضرت آیت‌الله العظمی حاج سید محمد رضا گلپایگانی به نیاوند مراجعت نمودم و اکنون تقریباً حدود بیست سال است در حوزه‌ی علمیه‌ی نیاوند، بعد از حضرت آیت‌الله حاج شیخ عزیزالله علیمرادیان در این شهرستان هستم.

شاگردان:

شاگردان حضرت استاد در زمانی که بنده در محضرشان افتخار تلمیذی داشتم عبارت‌اند از:

۱- مرحوم حاج شیخ ابراهیم کفراشی که یکی از اولیاء الله بود.

۲- مرحوم حاج شیخ محمد یوسف مولوی وشتی. ایشان واقعاً مولوی بود. (تنزل الاسماء من السماء) به‌طوری که مرحوم حاج شیخ به او اعتماد و اطمینان داشت و او را در موقع مسافرت به جای خود به امامت مسجد منصوب می‌فرمود. ایشان در زمان حیات حاج

شیخ برای ادامه‌ی تحصیل به قم مشرف شد و چند سال پیش به دیدار حق شتافت،
رحمه الله علیه .

۳- آقای حاج شیخ جعفر ساکی

۴- حجت الاسلام شیخ علی احمد حمیدی

۵- حجت الاسلام حاج شیخ حسن زمانیان

۶- حجت الاسلام حاج طاهر احمدوند

۷- حجت الاسلام حاج علی یونسی و ...

رفتار حضرت استاد با شاگردان و طلاب بسیار خوب بود و از نظر معیشتی، تا آنجا که مقدور می‌شد، از آنان حمایت می‌کرد و حتی چندین سال پس از عزیمت به قم، هم‌چنان شهریه‌ی آن‌ها را می‌پرداخت. من در طول سال‌ها شاگردی در محضر استاد، همیشه از ایشان احترام و بزرگواری دیده‌ام و اصولاً ایشان برای مخاطب خود، در هر سن و شرایطی که بود، شخصیت قائل می‌شد و به کسی «تو» خطاب نمی‌کرد. ایشان حق بزرگی بر گردن من و سایر شاگردانش دارد و ما هیچ‌گاه نخواهیم توانست حق استاد را به درستی جبران و ادا کنیم. برای ایشان از خداوند متعال درجات عالی مسئلت می‌نمایم.

هم‌چنین لازم است از شخصیت‌های دیگری که از محضر استاد بهره گرفته‌اند نام

ببرم: حجت الاسلام احمد زمانیان، حجت الاسلام علی زمانیان، حجت الاسلام محمد

اسلامی، حجت الاسلام عبدالله سیفی، حجت الاسلام جلیل بحیرایی، حجت الاسلام سید

محمدعلی وفایی، حجت الاسلام علی (یزدان) علی‌بخشی، حجت الاسلام محمد رحیم

علی‌بخشی، حجت‌الاسلام محمد صادق شهبازی، حجت‌الاسلام شیخ علی کر معلی، حجت‌الاسلام صحبت‌زمانیان جهان‌آبادی، حجت‌الاسلام محمود محسنی رجایی و حجت‌الاسلام سهرابی و ...

و هم‌چنین تعداد زیادی از افراد متدین و باسواد روستاها بودند که جهت یادگیری قرآن و احکام برای برطرف نمودن سؤالات شرعی روستائیان از محضر ایشان استفاده می‌نمودند.

تعدادی از معلمین و دبیران نهادند، نیز جهت یادگیری فلسفه و منطق و زبان عربی از جمله آقایان اکبر شکوهی، حبیب‌ظفری، امیر بوترابی، دکتر ولی‌ظفری، کرم‌خدا امینیان سید عبدالحسین کابلی و سیدشجاع‌الدین فتاحیان (تاجر) که اکثر موفق به اخذ مدرک لیسانس و ... شده‌اند تحت تعلیم ایشان بودند.^۱

هم‌چنین در طول دوره‌ی حیات آیت‌الله‌علیه‌السلام علیمرادیان و سرپرستی ایشان در مدرسه‌ی علمیه‌ی سرخیابان، همواره تعدادی از دانش‌آموزان دبیرستانی با استفاده از اوقات فراغت خود در بعدازظهرها و ایام تابستان، در محضر خیلی از طلاب و شخصیت‌هایی که اسامی آنان ذکر شد، به فراگیری دروس جامع‌المقدمات و سیوطی اشتغال داشتند و بهره‌ی معنوی کسب می‌نمودند.

۱- قسمتی از مصاحبه‌ی با حجت‌الاسلام محمدی، قسمت‌های دیگر در بخش دوم ویژه‌نامه آمده است.

احداث ، تعمیر و بازسازی مساجد



رسال جامع علوم انسانی

نمونه‌ای از مراسم کلنگ‌زنی برای احداث مسجد در شهر و روستاهای شهرستان نهاوند با حضور آیت‌الله
علیمرادیان و جمعی از مسئولان و معتمدان محلی

یکی دیگر از اقدامات آیت‌الله علیمرادیان اهتمام به احداث و تعمیر مساجد شهرستان
نهاوند بود. مساجدی که رو به ویرانی نهاده بود و همتی والا برای احیای آن‌ها نیاز بود.
می‌دانیم شرایط سیاسی و حکومتی آن سال‌ها از یک سو و موقعیت اقتصادی مردم

نهایند از سوی دیگر موجب شده بود که بازسازی و تعمیر مساجد در اولویت قرار نگیرد و تحقق آن غیر ممکن به نظر می‌رسید.

اما آیت‌الله علیم‌رادیان با ایمان به خدا و اخلاص در عمل، بی‌ریا و بدون تبلیغ به این مهم همت گماشت. ایشان در این مورد نیز در صدد تحقق بخشیدن به آیه‌ی دیگری از قرآن برآمد. آیه‌ی ۱۸ از سوره‌ی توبه:

«انما یعمر مساجد الله من آمن بالله و الیوم الاخر و اقام الصلوه و آتی الزکوه و لم یخس الا الله فعسی اولئک ان یكونوا من المهدین، یعنی منحصرآ تعمیر مساجد خدا به دست کسانی است که به خدا و روز قیامت ایمان آورده‌اند و نماز به پا دارند و زکات مال خود بدهند و از غیر خدا نترسند. آن‌ها امیدوار باشند که از هدایت یافتگان هستند.»

تعمیر مساجد و امکنه‌ی مقدسه‌ی نهایند توسط آیت‌الله علیم‌رادیان، نکته‌ای است که حاج شیخ محمد شریف رازی مؤلف کتاب «گنجینه‌ی دانشمندان»، نیز در شرح حال ایشان متذکر شده، آن‌جا که نوشته است:

«در سال ۱۳۶۲ قمری [۱۳۲۳ شمسی] به نهایند مراجعت و اقامه‌ی جماعت و تعمیر مساجد و امکنه‌ی مقدسه، من جمله مدرسه‌ی علمیه جدید البنا و تربیت‌عده‌ای از محصلین علوم دینی را [عهده‌دار] گردیده، فعلا حدود سی نفر از آن‌ها در حوزه‌ی علمیه‌ی قم اشتغال به تحصیل دارند و چند نفر از آن‌ها به درجات عالی‌ی علمی نائل و قریب الاجتهاد می‌باشند و در علوم رسمی فقه و اصول و غیرها جزواتی به رشته‌ی تحریر در آورده‌اند.»^۱

استاد کرم‌خدا امینیان شخصیت فرهنگی نهایند نیز درباره‌ی مساجد نهایند چنین می‌گوید: «همه همشهریانی که عمری بالای شصت، هفتاد سال دارند می‌دانند که قبل از

۱- رازی، حاج شیخ محمد شریف، گنجینه‌ی دانشمندان، ج ۷، ص ۳۳۰

آمدن مرحوم حاج شیخ رحمة الله عليه به نهاوند، مساجد شهر به حال خود رها شده بود و در واقع سر منزل غربا بود.

طاق‌ها و رواق‌های این مساجد همه مخروبه و گرد و غبار گرفته و صحن‌ها بعضاً پوشیده از حصیرهایی بود که قسمتی از اطراف آن‌ها به مرور زمان از بین رفته بود. از اسف‌بارترین مساجد شهر یکی مسجد حاج آقا تراب و دیگری مسجد حاج خدارحم بود. تکلیف دیگر مساجد هم معلوم بود. مثلاً مسجد جامع بیش‌تر به یک مکان متروک و ترس‌آور شبیه بود.

وقتی آن مرحوم به نهاوند وارد شد چند سالی طول نکشید که مساجد تعمیر و دارای آب لوله‌کشی و برق گشتند و با قالی‌های محلی مفروش شدند و نماز جماعت رونق و شکوهی گرفت. این همه به برکت انفاس قدسی آن مرد بزرگ بود.

چندی بعد هم اقدام به ساختن مسجد علمیه (سرخیابان) کردند و به هر حال موجب تحولاتی در عرصه‌ی دین‌پروری و زندگی مردم شدند. مؤمنان امروز نهاوند تربیت یافته‌ی پدرانی هستند که اکثر تحت ارشاد و هدایت مرحوم حاج شیخ رحمة الله عليه بوده‌اند.^۱

فهرستی از آثار و بناهایی که به وسیله‌ی آیت‌الله علیمرادیان و با کمک و همیاری مردم شهر و روستاهای نهاوند تعمیر و تکمیل و یا احداث شده‌اند به نقل از آقای علی علیمرادیان (فرزند ایشان) بدین شرح است.

الف- در شهر:

- ۱- ساخت مسجد و مدرسه‌ی علمیه‌ی سرخیابان، ۲- ساخت مسجد محمدیه، ۳- بازسازی مسجد در سرداب، ۴- بازسازی فاطمیه (مسجد مقبره‌ی سابق)، ۵- مرمت مسجد حاج

خدارحم، ۶- مرمت مسجد جامع امام حسن (ع)، ۲- مرمت مسجد امامزاده محمد، ۸- بازسازی مسجد گلشن و...

ب- در روستاها (احداث، بازسازی و یا مرمت مساجد):

۱- گیان، ۲- شعبان، ۳- بیان، ۴- بابا رستم، ۵- جعفرآباد، ۶- رزینی، ۷- شهرک، ۸- زرامین سفلا و...

سایر اقدامات عمرانی

علاوه بر احداث و تعمیر مساجد شهر و روستاها به اقدامات عمرانی دیگری با

همکاری مردم، از جمله موارد زیر باید اشاره کرد:

✓ همکاری در خرید ساختمان مهدیه،^۲

۱- افتتاحیه‌ی مسجد گیان (حدود سال ۱۳۴۹) با دعوت آیت‌الله علیمرادیان و شرکت هیئتی از آیت‌الله العظمی گلپایگانی در معیت مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین حاج آقا مهدی فرزند آیت‌الله العظمی گلپایگانی، که به نیاوند سفر کرده بودند و جمعی از همشهریان و ساکنان این بخش انجام گرفت و مراسم باشکوهی برگزار گردید.

حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ صادق شهبازی (داماد آیت‌الله علیمرادیان) در این خصوص اظهار داشت: «از همراهان این هیئت یکی حجت‌الاسلام حاج آقا نجفی شهرضایی بود که هم در مدرسه‌ی علمیه‌ی سرخیابان و هم در مسجد گیان سخنرانی کرد. یکی هم این‌جانب بودم. این هیئت ابتدا در مدرسه‌ی علمیه با آیت‌الله علیمرادیان دیدار کرد، هم‌چنین با آیت‌الله محمدولی حیدری که در آن‌جا حضور داشت و این در حالی بود که تمام صحنه‌ی مدرسه از جمعیت پر شده بود. بعد از سخنرانی آقای نجفی شهرضایی که با تجلیل از آیت‌الله علیمرادیان همراه بود، هیئت در مسجد جوانان توقف کوتاهی کرد و سپس با جمعی از همشهریان عازم گیان شدند و مسجد را با مراسم باشکوهی افتتاح کردند. علت حضور این‌جانب در معیت حاج آقا مهدی این بود که مرحوم پدرم حاج محمدباقر شهبازی با بیت آیت‌الله العظمی گلپایگانی رفت و آمد داشت. من هم در مدرسه‌ی ایشان تحصیل می‌کردم. یک روز مرحوم حاج آقا مهدی به پدرم - که چند روزی به قم آمده بود - فرموده بود قرار است با هیئتی به نیاوند بیایم و من می‌خواهم فلانی را (این‌جانب) هم با خود بیاورم. پدرم مرا در جریان قرار داد و توفیق همراهی با این هیئت نصیب شد.»

۲- روز بیست و یکم رمضان (حدود سال ۱۳۴۹) آیت‌الله علیمرادیان نماز جماعت را هم‌چون سال‌های گذشته به دلیل کثرت جمعیت در فضای آزاد (چال قصاب‌خانه) در بیرون شهر برگزار کرد و بعد از نماز آقای شیخ عباس علی اسلامی سخنران ماه مبارک آن سال به توصیه و تأکید حاج شیخ منبر رفت و برای راه‌اندازی محلی در جهت فعالیت‌های اسلامی به جمع کمک‌های مردمی اقدام نمود و مقدمه‌ی خرید ساختمانی که بعداً به «مهدیه» معروف شد فراهم گردید. (←)

- ✓ ساخت پل غسل‌خانه،
- ✓ احداث گرمابه‌ی علیمرادیان،
- ✓ اجازه تغییر مسیر سیلگاه (لنگاه)،
- ✓ ساخت غسل‌خانه‌ی قدیم و جدید (زیرچقا)،
- ✓ اهدای زمین برای احداث مدرسه‌ی راهنمایی ادب،
- ✓ ساخت جاده‌ی قدیم زرامین از طریق جاده‌ی دو آسیابه
- ✓ مرمت پل پیل لاغه
- ✓ احداث جاده‌ی آورزمان با کمک کسبه و بازاریان^۱ و...

(→) به خاطر دارم اولین کسی که داوطلب شد مرحوم حاج شاهمراد عبدالملکیان بود که مبلغ پانصد تومان پیشنهاد داد. اما حاج آقای اسلامی برای این که زمینه‌ی کمک‌های بیش‌تر را فراهم سازد در حالی که بالای منبر بود گفت شما چهار اسم دارید «حاج، شاه، مراد، عبدالملکیان» بنابراین سهم شما چهار تا پانصد تومان می‌شود یعنی دو هزار تومان که ایشان هم پذیرفت و کمک‌های بعدی با چنین فضای عاطفی و صمیمی ایجاد شده‌ای بیش‌تر گردید.

بعدها که ساختمان خریداری شده تعمیر و آماده‌ی بهره‌برداری شد، طی مراسمی با حضور عده‌ای از مردم توسط حاج آقای مصطفوی سخنران اعزامی از قم افتتاح گردید. (هر دو توضیح از آقای امیرحسین جلالوند)

۱- آن‌چه در سه صفحه‌ی بعدی عینا ملاحظه می‌کنید آگهی مربوط به مورد اخیر (احداث جاده‌ی آورزمان) است که توسط «چاپ فردوسی نهاوند» تهیه و منتشر گردیده است. قبلا توجه خوانندگان را به نکات زیر جلب می‌نماید:

الف - آگهی بدون تاریخ است، اما قرائن نشان می‌دهد که حدود سال ۱۳۴۱ باشد. ب - این آگهی از اشتباهات تایپی بر کنار نمانده و نگارش آن عامیانه است. (برای مثال فلا کفاش به جای فلاح کفاش).
 ج - پیش‌تازی آیت‌الله علیمرادیان در این خدمت عام‌المنفعه و پرداخت ده هزار ریال که در مقایسه با مبالغ بقیه کاملاً چشم‌گیر است (با توجه به ارزش یک ریال در نیم قرن پیش)، بیانگر علاقه‌مندی ایشان به عمران و آبادی و توسعه‌ی شهر و روستاهای نهاوند است. د - تفاوت‌های معنی‌دار رقم‌های تقدیمی، نشان دهنده شرکت اقشار مختلف در این حرکت محلی و جمعی است. در این جا ارباب قلم، پزشکان، فرهنگیان، بازرگانان و کسبه‌ی متوسط و ضعیف همگی سعی کرده‌اند حتی المقدور ادای دین کنند. بی‌شک نقش آیت‌الله علیمرادیان در ایجاد این وحدت و انسجام مردمی بسیار چشم‌گیر بوده است. ه - درج این اسامی تداعی کننده‌ی خاطرات برای همشهریانی است که چهل پنجاه سال گذشته را پشت سر گذاشته‌اند و می‌تواند انگیزه و الهام‌بخش نوشتن خاطرات و تحلیل‌های گوناگونی در این خصوص و درباره‌ی آیت‌الله علیمرادیان باشد و قطعاً مورد استقبال فصل‌نامه‌ی فرهنگیان قرار خواهد گرفت.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

آنگهی جلوه آور زمان - بنهادند - همشهریان عزیز جاده آدر زمان با قوه پروردگار توانا و همکارای جناب آقای علی اکبر صفی پور مدیر جاده امینداریان و همراهی اینجانب آقای سیف - سید احمد سیدان - محمد علی رفیعی - محمد شایسته - محمد حسین سیف - قاسم سیف - سید محمد سیف - قاسم سیف - محمد رضا قهرپور - با کتک همشهریهای عزیز بیابان رسید فقط چند روزی کار دارد از لحاظ آب بندی و شن ریزی و یک چشمه بل که ماشین بزرگ بتواند راحت از آن عبور نماید که آقای حاجت الاسلام آقای شیخ عزیزالله علیمردادیان مبلغ ده هزار ریال مرحمت فرموده و آقایانی که میخوانند وجوهی برای احداث بل مرحمت فرمایند بخدمت حضرت حاج شیخ عزیزالله شرفیاب شمع و وجوه خود را تسلیم نمایند و همچنین کسانی که برای شن ریزی و غیره کتک میفرمایند جدا گانه مرحمت فرمایند همشهریهای عزیز در صورتیکه نسبت به شن ریزی و ساختن بل اقدام نشود جلوه مزبور خراب و کثافت‌السا بین خواهد شد تا آقایانیکه بل لطف فرموده و وجوهی پرداخته‌اند بدین وسیله معرفی و همچنین آقایان محترمیکه کتک و مسائل فرموده‌اند بدین شرح است - آقای محمد قوامی - لوله سی و شصت سیمانی - مبلغ سی هزار ریال آقای صادق حاجیان کتک کار با اجرت چهار هزار ریال

ردیف	اسم شهرت	مبلغ کتک	ردیف	اسم شهرت	مبلغ کتک	ردیف	اسم شهرت	مبلغ کتک
۱	امیر	۱۰۰ ریال	۲۰	چغفر	۵۰ ریال	۳۶	عزیز جعفری	۵۰ ریال
۲	علی محمد	۱۰۰	۲۱	شکری نوروزی	۵۰	۳۷	حاج نسیح الله غلامی	۲۰
۳	اسد سیف	۲۰۰	۲۲	احمد لعافوز	۲۰۰	۳۸	حاج احمدی	۲۵۰
۴	کاظم سیف	۲۰۰	۲۳	حاج شکرالله خادایی	۱۵۰	۳۹	وان قیاسی	۱۰۰
۵	میرزا مراد رضائی	۱۰۰	۲۴	دارد شو کلی	۵۰	۴۰	شکرالله خرازی	۱۰۰
۶	آقا تراب شهبازی	۱۰	۲۵	ابو تراب سینه	۱۰۰	۴۱		۵۰
۷	محمد حسین سقندار	۱۵۰	۲۶	حاج جوان صدقی	۱۰۰	۴۲	عبدلحافظ	۵۰
۸	ابراهیم میرانی	۵۰	۲۷	محمد رحیم پور گل	۲۰۰	۴۳	سباغی	۵۰
۹	غزیر رضائی	۵۰	۲۸	رضا قاضی	۱۰۰	۴۴	غلا کفایش	۵۰
۱۰	مرتضی صالحی	۱۰۰	۲۹	جواد رشیدی	۱۰۰	۴۵	جلیل لاستیک فروشی	۱۰۰
۱۱	علی اکبر شهبازی	۵۰	۳۰	نورمحمد خیرار	۱۰۰	۴۶	یدالله لشکری	۵۰
۱۲	موسی سیف	۱۰۰	۳۱	دانیال خرازی	۴۰	۴۷	حاج شکرالله مسگر	۱۰۰
۱۳	یحیی سیانی	۵۰۰	۳۲	علیمردادیان	۵۰	۴۸	اسماعیل هلیمرادیان	۱۰۰
۱۴	غلام مؤیدی	۳۰۰	۳۳	قدرت امیدی	۱۰۰	۴۹	حشمت	۵۰
۱۵	حاجی عباسی حاجی‌بی	۲۰۰	۳۴	مصلحی آباتی	۱۰۰	۵۰	حاج سید یوسف محمودزاد	۵۰۰
۱۶	داود حمودی	۵۰	۳۵	مشهدی تقی صالحی	۱۰۰	۵۱	میرزا یوسف صدیق	۲۰۰
۱۷	سیدجلال و حسن نوله‌غری	۲۰۰				۵۲	خلیل آباتی	۲۰۰
۱۸	حسن شهبازی	۲۰۰						
۱۹	احمد یزاز	۲۰۰						

آنگهی جلب کمک‌های مردمی برای احداث جاده‌ی آور زمان (۱)

بقیه اسامی آقایان که کمک کنندگان جاده آور زمان

ردیف	اسم شهرت	مبلغ کمک	اسم شهرت	مبلغ کمک	ردیف	اسم شهرت	مبلغ کمک
۵۳	حاج کریم حایونی	۱۰۰۰ ریال	رضا طاهری	۸۴۰ ریال	۸۰	حاج کریم حایونی	۱۰۰۰ ریال
۵۴	حاج شکر الله مستغفرونی	۱۰۰۰	قرانی بهیرانی	۳۰۰	۸۱	حاج شکر الله مستغفرونی	۱۰۰۰
۵۵	ماشالله نمرتی	۲۰۰	شکر الله حبیبوند	۵۰۰	۸۲	ماشالله نمرتی	۲۰۰
۵۶	محمد تقیم بزاز	۱۵۰	علیر ابدان	۳۰۰	۸۳	محمد تقیم بزاز	۱۵۰
۵۷	مشهدی رحمان	۵۰	حاج سید محمد میدان	۶۵۰۰	۸۴	مشهدی رحمان	۵۰
۵۸	محمد حسین قیاسی بزاز	۱۰۰	حاج مصطفی متمدنی	۱۵۰۰	۸۵	محمد حسین قیاسی بزاز	۱۰۰
۵۹	بهرام شیخ الدلوکی	۵۰۰	چهار خان ذوالفقاری	۱۰۰۰	۸۶	بهرام شیخ الدلوکی	۵۰۰
۶۰	مهدی رضی	۲۰۰	حاج علی توکلی	۵۰۰	۸۷	مهدی رضی	۲۰۰
۶۱	حاج ملکی	۱۰۰	شکر الله زمانیان	۵۰۰	۸۸	حاج ملکی	۱۰۰
۶۲	رضا خان فرش فروش	۲۰۰	کریم شهاب دهقان	۱۰۰۰	۸۹	رضا خان فرش فروش	۲۰۰
۶۳	نصرت مهدوی	۵۰۰	نصرت وستنگری	۱۰۰۰	۹۰	نصرت مهدوی	۵۰۰
۶۴	مهدی محسنی	۵۰۰	دکتر مراد رضوانی	۹۰۰	۹۱	مهدی محسنی	۵۰۰
۶۵	کریم زابلی	۱۰۰	مصطفی رطیلی	۲۵۰	۹۲	کریم زابلی	۱۰۰
۶۶	جلال طالب	۱۰۰	دکتر بروشم	۱۰۰	۹۳	جلال طالب	۱۰۰
۶۷	محمدی کیایی	۵۰	دکتر موسی حکیمیان	۵۰۰	۹۴	محمدی کیایی	۵۰
۶۸	قاسم قصاب	۵۰	حاج درویش عطاری	۳۰۰	۹۵	قاسم قصاب	۵۰
۶۹	بهر فرج الله	۲۰	دکتر مراد حکیمیان	۲۰۰	۹۶	بهر فرج الله	۲۰
۷۰	سابق نادری	۵۰	دکتر یحیی حکیمیان	۲۰۰	۹۷	سابق نادری	۵۰
۷۱	مصارف	۵۰	رضانورتی	۵۰۰	۹۸	مصارف	۵۰
۷۲	سیدالعلمانی	۱۰۰	حسین ذکاکی	۵۰۰	۹۹	سیدالعلمانی	۱۰۰
۷۳	حاج حجت قناد	۱۰۰	مرضی ناولندی	۲۵۰	۱۰۰	حاج حجت قناد	۱۰۰
۷۴	رفیعی قناد	۱۰۰	قاسم شهردازی	۲۰۰	۱۰۱	رفیعی قناد	۱۰۰
۷۵	جواد رستمی میدان	۲۵۰	عبار الله هادیان	۱۰۰	۱۰۲	جواد رستمی میدان	۲۵۰
۷۶	سعدی ناتوا	۵۰	غیر الله بسنی فروش	۳۰۰	۱۰۳	سعدی ناتوا	۵۰
۷۷	حجت اشرفی	۵۰	علی آبروی	۲۵۰	۱۰۴	حجت اشرفی	۵۰
۷۸	موشکات مؤمنی	۱۰۰				موشکات مؤمنی	۱۰۰
۷۹	شهبازی فروشگاه سینا	۵۰				شهبازی فروشگاه سینا	۵۰

آگهی جلب کمک های مردمی برای احداث جاده آور زمان (۲)

صفحه نهم

بقیه امامی آقایان کمک‌کنندگان جلد آور زمان

ردیف	اسم - شهرت	مبلغ کمک	ردیف	اسم - شهرت	مبلغ کمک	ردیف	اسم - شهرت	مبلغ کمک
۱۳۰	نورالدین سیف‌علاق	۵۰	۱۵۵	اسماعیل موسوی	۱۰۰			
۱۳۱	صمد صادقی	۱۰۰	۱۵۶	حسین شهمازی خیاط	۱۰۰			
۱۳۲	خلیل منوری	۵۰	۱۵۷	غلام رشیدی	۱۰۰			
۱۳۳	شعبانی	۵۰	۱۵۸	ولی توسلی	۵۰			
۱۳۴	مرتضی خندرجی	۱۰۰	۱۵۹	کرجک محسن	۲۰۰			
۱۳۵	احمد استی مروش	۵۰	۱۶۰	داود رستنی	۱۰۰			
۱۳۶	خلیل عمار	۱۰۰	۱۶۱	محمود سیف	۲۵۰			
۱۳۷	رحیم کبابی	۵۰	۱۶۲	محمدشهبازی خیاط	۱۰۰			
۱۳۸	مشهدی رضا خال	۱۰۰	۱۶۳	اکبر خیاط	۵۰			
۱۳۹	سوم السین قنار	۱۰۰	۱۶۴	هوشنگ قازانی شراز	۵			
۱۴۰	محمود رضوانی	۲۰۰	۱۶۵	روح‌الله قیاسی	۲۰۰			
۱۴۱	رضوان رضوانی	۷۵۰	۱۶۶	احمد مری	۱۰۰			
۱۴۲	فتح‌الله آصفی پور	۵۰	۱۶۷	حاج‌عابدین سیف	۲۰۰			
۱۴۳	مشهدی مرتضی خباز	۱۰۰	۱۶۸	سید کاکر خاله‌برق	۵۰۰			
۱۴۴	جدال طالب	۵۰	۱۶۹	جاسر شکرالله ظهیرادیان	۵۰			
۱۴۵	محمد سیف خباز	۱۰۰	۱۷۰	احمد دلچانی	۵۰۰			
۱۴۶	علی شکر هادیان	۲۵۰	۱۷۱	محمد حسین ایلانی	۸۳۵			
۱۴۷	جلال اسحاقی	۳۰۰						
۱۴۸	استاد کاکانقل کفاش	۵۰						
۱۴۹	مشارالله سادنی	۵۰						
۱۵۰	عنایت	۵۰						
۱۵۱	غفور سلطانی	۱۰۰						
۱۵۲	اسدالله منوری	۵۰						
۱۵۳	اسدالله خان بهمان	۵۰						
۱۵۴	سید آرزو ضیاء	۲۰۰						

آگهی جلب کمک‌های مردمی برای احداث جاده آور زمان (۳)

درجات علمی :

حاج شیخ محمد شریف رازی درباره‌ی جایگاه علمی و حوزوی آیت‌الله علمیرادیان چنین می‌نویسد: «[ایشان] از علمای متین و مبرز می‌باشند. قریب چهل سال است آشنایی کامل با ایشان دارم. از غالب آیات عظام گذشته چون مرحوم آیت‌الله العظمی [سید ابوالحسن موسوی] اصفهانی و آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله خوانساری معاصر و گذشته و آیت‌الله حجت و آیت‌الله العظمی گلپایگانی و آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی و دیگران اجازه‌ی اجتهاد و روایتی و غیره دارند.^۱»

نمونه‌ای از اجازات مراجع عظام به آیت‌الله علمیرادیان

آیت‌الله علمیرادیان از چندین مرجع بزرگ اجازه‌ی روایت احکام، تصدی امور حسیه، اقدام به حکم شرعی و ... دریافت نموده است. تأملی در فحوای این اجازات - چنان که ملاحظه خواهید کرد - جایگاه علمی و حوزوی ایشان را در بین مراجع نشان می‌دهد و بیانگر این حقیقت است که ایشان از سوی آیات عظام وقت عالمی ربانی تشخیص داده شده و بر اجتهاد او صحه گذاشته‌اند.

مفهوم اجازه^۲ :

می‌دانیم حدیث و راویان آن در جامعه‌ی اسلامی از موقعیت و پایگاه ممتاز و ویژه‌ای برخوردارند. زیرا حدیث، بیان و تفسیر قرآن، احکام و قوانین اسلام و راوی بازگو کننده و ناقل آن است.

۱- رازی، حاج شیخ محمد شریف، گنجینه دانشمندان، ج ۷، ص ۳۳۰
 ۲- این بحث (مفهوم اجازه و اقسام آن) توسط همشهری گرامی آقای علی مصباح ساکن قم تهیه و برای فصل‌نامه ارسال شده است، با تشکر از ایشان.

از این رو در علم الحدیث و رجال، به طور جدی و اساسی به این دو (حدیث و راوی آن) پرداخته‌اند و برای شناخت احادیث صحیح از غیر صحیح، راه‌های مختلفی ارائه کرده‌اند؛ چنان که برای حاملان احادیث و ناقلان و راویان آن نیز شرایط خاصی در نظر گرفته‌اند، که در این جا مجال پرداختن به آن‌ها نیست. اما راه‌ها و به اصطلاح «طرق حمل حدیث» گوناگون و مختلف است که اشاره‌ای کوتاه به آن می‌نماییم.

شهید ثانی (زین الدین بن علی بن احمد عاملی) طرق حمل حدیث و راه‌هایی که حاملان حدیث می‌توانند از آن برای حمل و نقل حدیث استفاده کنند، هشت راه دانسته‌اند که به ترتیب عبارت‌اند از:

- ۱- سماع (شنیدن): راوی روایت را از شیخ خود می‌شنود.
- ۲- قرائت (عرض): قاری حدیث را بر استاد عرضه می‌دارد و می‌خواند.
- ۳- اجازه: شیخ به شاگردان خود کتبا یا شفها به طور عام یا خاص اجازه نقل حدیث می‌دهد.
- ۴- مناو له: استاد، کتاب خود را در اختیار شاگرد قرار می‌دهد، ضمن این که اجازه‌ی نقل حدیث به او می‌دهد یا نمی‌دهد.
- ۵- کتابت: استاد شخصا مسموع خود را برای فرد غایب یا حاضر می‌نویسد، یا از کسی می‌خواهد مسموع او را بنویسد.
- ۶- اعلام: شیخ به راوی اعلام می‌کند این حدیث یا این کتابت روایی معین، متعلق به من یا مسموع من است.

۷- وصایت: شیخ هنگام سفر یا در مرض مشرف به موت، وصیت می‌نماید فلانی بعد از مرگ من از این کتاب، حدیث نقل کند.

۸- و جدت: انسان بر کتاب یا حدیثی، دست می‌یابد که به صحت اسناد آن به شیخ خود اطمینان دارد.

از بین راه‌های فوق، «طریق اجازه» از اهمیت خاصی برخوردار است که در این جا مختصراً به آن می‌پردازیم:

انواع اجازات

اجازات را علما و محدثان، سه قسم دانسته‌اند:

اول: اجازه‌ی اجتهادی (شهادت‌نامه‌ی علمی) که اجازه دهنده برای اثبات قدرت استنباط احکام شرعی بر اساس ادله‌ی تفصیلی، آن را به اجازه گیرنده می‌دهد. این نوع اجازه در بین متأخرین بسیار متداول است. بدین صورت که اجازه دهنده برای اجازه گیرنده، اجازه‌ای صادر می‌کند مبنی بر این که وی به درجه‌ی اجتهاد علمی احکام شرعی رسیده است، اعم از این که اجتهاد مطلق باشد یا متجزی.

دوم: اجازه‌ی روایتی که اصل در اجازات به هنگام اطلاق، همین قسم است.

سوم: اجازه در امور حسبیه و گرفتن وجوه شرعی، مانند: خمس، سهم امام، زکات، صدقات، کفارات و تصرف در امور دینی و اجتماعی مسلمانان.

قابل ذکر است که اجازه دهنده را در اصطلاح «مجیز» و اجازه گیرنده را «مجاز» می‌خوانند.

«اجازه‌نامه» از آیات عظام

برای نمونه، در این جا نام جمعی از مراجع عصر و خلاصه‌ای از اجازات آنان به آیت‌الله علیمرادیان، ذکر می‌شود. توجه به تعابیر و اصطلاحات و الفظاتی که در این اجازه‌نامه‌ها آمده گویای قابلیت و شایستگی‌های علمی و معنوی آن بزرگوار است.

۱- آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن موسوی اصفهانی ،

۲- آیت‌الله سید محمد حسینی کوه کمره‌ای ،

۳- آیت‌الله سید عبدالهادی حسینی شیرازی ،

۴- آیت‌الله سید محمد تقی موسوی خوانساری ،

۵- آیت‌الله العظمی سید محمدرضا موسوی گلپایگانی ،

۶- آیت‌الله العظمی سید احمد موسوی خوانساری ،

«هم‌چنین :

۷- آیت‌الله العظمی سید حسین یروجردی طباطبایی

۸- آیت‌الله العظمی حجت

۹- آیت‌الله العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی^۱»

۱- ستارگان نهاوند ، حجت‌الاسلام علی مصباح ، قم ، ص ۹۷ به بعد

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي جعلنا من هذه الامم افضل امم الارض والارض والسموات
 على سائر الامم افضح نطق الضاد وسراويل جوارح الكلام فاردي حكمة وطلاقة
 كل قلب صادق سيدنا ونبينا محمد الصادق البشيرة النبي والاشرف الحكم الملائكة
 البيضاء والذوالظاهرين العترة المصيبة الزهراء الاقرباء وبعد فقد جاز
 شرح عبر العلم والفهم وتفصيل الفهم والحق العالم العالم الكل من
 العلماء الذين نازحوا كما الذي مزج الشهادة انما التحارة فوجد
 انفسه ووثاقته غير واحد في اعلام الانبياء الزهراء المعوية شرح غير الشاه
 ارام بعد ما بيده فاحترقه وقضاه الله جميع ما احتلى براتبه ودرت به
 المنة والفضل والفضل والفضل والفضل والفضل والفضل والفضل والفضل
 شرح بلغة والصفة الحاترة والكمال بعد اللام من العلم والفضل
 التي كان عليها المذاهب الاحمدية ايضا والكانه والفتنة والهداية
 والواجب الشكر لشارع التي بلغت والخرج وفتنتها خاتمة في واقعة
 فخرى بان يتقدم به العوام ويتقدم من غير مسائل الجلال والجلال
 لم خلقت في الدنيا الا للعبودية وطرح القضاة والوفى والوسيلة والناظر
 وفيها لجانها لم علا التعريف في الامر التي ترجع الى الحكم من التفتوح
 الحق الاحمدية وايضا لها الاملها ودراسات الفصار ونفس الغم عليها
 اجمع فانها فخر من القية وادوية الاحكام التام وان لا ينال
 من المعاد كما انشاء في نطاق الاجابة الاحقر اسما موسى
 الا صبا في



سید ابوالحسن موسوی
 در شهر سنه ۱۳۲۴ شمسی
 در شهر سنه ۱۳۲۴ شمسی

اجازة نامه ی آیت الله العظمی سید ابوالحسن موسوی اصفهانی در سال ۱۳۲۴ شمسی که در حاشیه ی آن تأییدی
 آیت الله العظمی بروجردی طباطبائی نیز آمده است.

سید اعجاز حسن العظیم

مجلسی‌ها در جمله اخوان مؤمنین درهم آمدند آنکه خدای تعالی شریف‌ترین و بزرگوارترین
 نقلاً از اسلام آن شیخ عزیزالله تاج شریف سلمه‌الله علی محلل برون دانند و آنجا
 می‌باشند ایشان را بجا زود آمدند مقدم بر تقدیمی آمدند و عتبه را در هر مجلس
 با بی‌نیامی و در جمع ایشان آیند در تبلیغ احکام و فتاوی از مسائل
 مستحبه و نقل اخبار و احادیث مرثیه از اولاد اراغیه جلوات الله لانه اکتب ابدیه
 رسا برکت و اولاد طلاله امیر و نقل اولاد عظیم و البته برادران و بی‌خوابان در آن
 شهر در محفل و مجلس و محفل ایشان در مدینه و قزوین و سایر بلاد و در آنجا
 ملازمت ایشان که طریقه فقه حاشا است بر آنست و اینجاست راه رسیدن به حقیقت
 و در آنجا که علوم انسانی و طبقات آنست

الا صنفه



پرتال جامع علوم انسانی

تصویر اجازه‌نامه‌ی دیگری از آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن موسوی اصفهانی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ^۱

مخفی نماند بر عامه‌ی اخوان مؤمنین ، وفقهم الله تعالی ، آن که جناب مستطاب شریعت مدار و مروج الاحکام ، ثقه لاسلام آقا شیخ عزیزالله نهاوندی سلمه الله تعالی محلل و ثوق و اعتماد این جانب می‌باشند . ایشان را معجاز و مأذون نمودیم در تصدی امور حسبیه و آن چه متعلق به این مقام است و رجوع به ایشان نمایند در تبلیغ احکام و فتاوی از رسائل مصححه و نقل اخبار و احادیث مرویه از ائمه‌ی اطهار ، علیهم صلوات الله و [روایت] از کتب اربعه و سایر کتب مؤلفه‌ی علماء امامیه رضوان الله علیهم اجمعین و البته برادران دینی و جود ایشان را مفتسم شمرده در تجلیل و تبجیل و احترام ایشان دریغ نفرموده رجاء واثق آن که ایشان هم سلوک و ملازمت به احتیاط که طریق نجات است می‌فرمایند و این جانب را از ادعیه‌ی صالحه فراموش نفرمایند.

الاحقر ابو الحسن الموسوی اصفهانی

۱- ایشان اجازه‌ی دیگری به زبان عربی از آیت‌الله اصفهانی دریافت کرده‌اند که در حاشیه‌ی آن تأییدیه آیت‌الله العظمی بروجردی طباطبایی نیز با این جمله‌ی کوتاه (قد صدر من اهله و وضع فی محله) دیده می‌شود . تصویر این اجازه در ۷۹ آمده است.

زندگی نامه ی آیت الله تاج شیخ عزیز الله علمبرادیان

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی سیدنا محمد وعلیه الطاهرین

وآلهم
منقح وپوشیده نامه چون جواهرت علی عجلت علیهم السلام

عزیز الله تاج شیخ عزیز الله علمبرادیان
مرف غریب و تحفیر علوم دینیه و تکریم معرفت شریعه و بذل صحف و کتب

عزیز الله تاج شیخ عزیز الله علمبرادیان
و ده جاشنه ترویج این حقیقت بیخ انجام شسته در سخن و ده

مسکین بپوشاند و حقاً قاهر و اجدید گویند تربیت زعفر و کمال میباشند
از قهر آن خورشید زعفرین در او و شب از کتب سینه پادشاهیه مجاز و کلام
باشند و در صدر از کوه حقیقت و تاهمی از کوه کرمی ج سطر حکم فرج میباشند

و خرد خرق و لاجرم از قهر شکر دام عدلیه علوم و نظام العباد و غیره با کمال
در آنها و اوصول بر ششخین و علیه الاحتیاطی طریقه کمال و در زمینان و کوه
طیقه ترا و از دست در کعبه و کرم تنظیم و جود از سر تا بند و امر و کرم
بنده شریف این لایق عن کرم کرمات و سطر آن لایق با الامور و طریقه کرم کرمی



تصویر اجازه نامه ی آیت الله سید محمد حسین کوه کمری

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين ... و بعد مخفی و پوشیده نماند چون جناب مستطاب عمده العلماء العظام، ملاذ الانام، عماد الاعلام، ثقه الاسلام آقای آقا شیخ عزیز الله نهبانندی دامت برکاته مدت‌های مدید صرف عمر شریف در تحصیل علوم دینی و تکمیل معارف شرعی و بذل جهد در نیل به مقامات علمی و عملیه فرموده، بحمد الله سبحانه به مراتب عالی‌ی علم و عمل و فضل و تقوی و صلاح و سداد نایل و مدت‌ها مشغول ترویج دین حنیف و تبلیغ احکام سید المرسلین و هدایت و ارشاد مسلمین بوده‌اند و حقا قابل و واجد همه گونه مراتب فضل و کمال می‌باشند. فلذا از قبل این احقر در نقل اخبار و احادیث از کتب معتبر امامیه مجاز و مأذون هستند، در تصدی امور حمسیه و تمامی اموری که محتاج به نظر حاکم شرع بوده باشد و اخذ حقوق واجبه از قبیل سهم امام علیه السلام و مظالم العباد و غیرهما و تصرف در آنها و ایصال بر مستحقین و علیه الاحتیاط فی کل الامور و بر مؤمنین و کلیه طبقات را لازم است در تحلیل و تکریم معظم له خود داری نمایند.

الاحقر محمد الحسین الکوه کمری

بسم تعالی

الحمد لله رب العالمین و صلی علی سیدنا محمد و آله الطاهرین و لعلنا نصل علی عبادنا محمد
 الطاهرین و بعد چون جب بکتاب رسیدم اندک اندک معلوم انعام مروج بود حکام
 جز از ستم آقای علی شیخ عزیز نه نمودنی است بجز در مراتب علم و فضل و تقوی
 و درج و لدای تمام علمی و شایسته از هرگز تو صفت نمیدوید و صفت
 میدوید و کلمات خفیه و لذیذ و حیرت شایسته که دلند از آرزوی غیبی بیرون ما زدند
 در قصه بجز امری شریف و حیرت که در بینه تصدیق التضرع لها الدلیلی کم از هر عملی بود که در آن
 من نبود و کلمات مداخله و جود شریف و حقوق بیدار و تفسیر احسان سراسر آواز گشت
 و نظام و فریاد وصال بود و تضرع و شرف و تحسین و تضرع و اخذ سیم بود امام
 روحی و روح الهی و الهی و درت گردان کردن و فرض بر عید و کون در آن
 در فرض نمود و تضرع و تضرع که قند بجا و صول انبیا و صرف ترون در برورد
 لذت و حقیقت کلمات صرف فقر آینه که لازم علم باشد یا فقر اصلی است
 اگر وجه سراسر آواز با شما باشد و اسیال با غیب و او صد تقوی بود و کلمات
 اللطیفه فانه سبب بجهان و ان الیغیب فارصا لولعوات و منطان الذعابنه
 و به و کلمات تقوی در محرابی بن ۱۳۷۶ قدس سره بهر حسد شیرازی



بِسْمِ اللَّهِ تَعَالَى شَأْنُهُ

الحمد لله رب العالمين ... و بعد چون جناب مستطاب عماد العلماء الاعلام العظام، مروج الاحكام، حجه الاسلام آقاي حاج شيخ عزيز الله نهاوندي دامت برکاته در مراتب علم و فضل و تقوى و ورع داراي مقام شامخی می‌باشند و مستغنی از هرگونه توصیف و تمجید و جامع صفات حمیده و کمالات نفسانیه و از هر جهت شایستگی دارند، لذا از قبل این جانب معجاز و مأذون‌اند در تصدی کلیه امور شرعیه که لایعجز التصدی و التعرض لها الا للحاکم الشرعی اوالمأذون من قبله و کذاک در اخذ و جوه شرعیه و حقوق الهیه از قبیل اخصاس سهم السادات و زکوات و مطالب و غیرها و ایصال به موارد مقررہی شرعیه و هم چنین در قبض و اخذ سهم مبارک امام روحی و ارواح العالمین له الفداء و دست‌گردان کردن و قرض بمن علیه الحق دادن در فرض لزوم و اقتضاء مصلحت که تدریجاً و وصول نمایند و صرف نمودن در موارد لازمه و حتی الامکان مصرف فقرا و صلحاء از اهل علم باشد یا فقراء صلحاء سادات، اگر وجه سهم سادات وافی به آنها نباشد و ایصال به این جانب، و اوصیه بتقوی الله و مراعات الاحتیاط فانه سبیل النجاه ... ۸ جمادی الثانیه ۱۳۷۲.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مخفی ناماد جناب مستطاب علم العظام مروج حکام شیعہ علیہ السلام

نہا و نیرد امت برکاتہ و بایسداتہ از اجده افاضہ اعلاہم و دندہ انعامہ
ہیاشنہ از جانب حقودہ تصدیق امور شرعیہ کہ متوقف بر اذن فقیرہ

از بزرگ تفسیر نمایند و از مظالم و ستم مبارک امام علیہ السلام و باطن
افضل الصلوٰۃ و السہم باندر ازہ حاجت و معیشت لایقہ بحال حقیر
و حرف نمایند و جانب احتیاط را منظور و اینند از خوانند

نواجیر در رجوع بایمان و احترام و تکیہ بجانب فروکار از
برقع و کل است و ابنتہ فوشان از برکات و فیوضات و جمالیات
تخلیصند و انت و از جود ان لایق فریاض و عطاہ آقا و استہم علیہ علیہ السلام

در رحمتہ اللعوبہ برکاتہ اللہ تر فقیر حقیر را از انوار



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مخفی نماناد جناب مستطاب عمده العلماء العظام، مروج الاحکام، ثقه الاسلام آقای آشیخ عزیزالله نهاوندی دامت برکاته و تأییداته از اجله‌ی افاضل اعلام و در زمره‌ی اتقاکم می‌باشند، از جانب احقر در تصدی امور شرعیه، که متوقف بر اذن فقیه عصر غیبت است، مأذون و مجازند تصدی نمایند و از مظالم و سهم مبارک امام علیه و علی آبنائه افضل الصلوه و السلام به اندازه‌ی حاجت و معیشت لایقه به حال خودشان صرف نمایند و جانب احتیاط را منظور دارند. اخوان مؤمنین از نواحی در رجوع به ایشان و احترام و تجلیل آن جناب فرو گذاری ننمایند که به موقع و محل است و البته خودشان را از برکات و فیوضات وجود ایشان محروم نخواهند داشت

پرتال جامع علوم انسانی

الاحقر محمد تقی الموسوی الخوانساری

سید عالم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر النبی جمیعین محمد وقرآنهما
 وبعد حاج استاد محمد سلام آقای حاج شیخ عزیزالله علیمرادیان در پیش
 از طرف حضرت آقا در گذارند در تصدق بر حجت سرور و در شرح شرایط
 و در اخذ وجوه بریه از تقییر سلام بخار در کرامت و ظهور آنست و حرف آنها
 در محامد حضرت شریف و همچنین بخارند در اخذ و قضا نسیم سار که او علیه السلام و بر
 نصف آن در دار و حوزه علمیه نهادند و اهل علم و مرد و جن و سعادت
 و هر که در وجه تقویت این در مسکن است نصف بر سر راه آن حوزه علمیه
 نزد خیر ارسال دارند در صحت به همراه آن است و با جمیع کاست در
 این کتاب از من جمیع کلمات و کلمات و کلمات و کلمات و کلمات و کلمات
 در شهر کربلا - ۱۹ شعبان ۱۳۱۵ هجری قمری محمد رضا الموسوی گلپایگانی

بسمه تعالی

الحمد لله رب العالمین و بعد جناب مستطاب حجه الاسلام
 آقای حاج شیخ عزیزالله علیمرادیان دامت برکاته از طرف حقیر
 مأذون و مجازند در تصدی امور حسبه‌ی منوط به اذن فقیه جامع
 الشرائط و در اخذ و جوه بریه از قبیل مظالم عباد و زکوات و
 مجهول المالک و صرف آن‌ها در موارد مقررهی شرعیه و هم چنین
 مجازند در اخذ و قبض سهم مبارک امام علیه‌السلام و صرف نصف
 آن در اداره‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی نهادند و اهل علم و مروجین و
 سادات و مضطربین و اموری که موجب تقریب دین و عز مسلمین
 است و نصف دیگر را جهت اقامه‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم نزد حقیر
 ارسال دارند و اوصی جنابه بمراعات الاحتیاط فی جمیع الحالات
 و ۱۹ ذیقعدہ ۱۳۸۵

محمد رضا الموسوی الگلپایگانی

بسم تم الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقہ محمد وآلہ الطاہرین واللعن علی

الجمین و بعد جناب مستطاب علامہ سید محمد سعید صاحب مدظلہ العالی

شیخ عزیز اللہ صاحب مدظلہ العالی کے لئے قلم مبارک سے لکھی گئی ہے

صیغہ کہ در زمان غیبتہ منوط باذن فقہہ جامع شرائط است و در ضمن حقوق

احصائے ذمہ داریات و تکالیف و عبادات و صرف انہما در حصہ سمرقند و غیر ذلک

و کثیر استند در چند آئینہ ہر ایک کہ امام علیہ الصلوٰۃ والسلام و عرف آنرا

سمرقند شرعیہ آن کے فقہ سادہ متکین و طلب علم دینیہ و خارج لادرس

زانہ را نیز حقیر بر این قمار حوزہ عالیہ قم و کیف و اوسیدہ امام غزالی

الدقیقہ و ان لایف فی سنی صالحہ عمارتہ کالدینہ ہنم تم و سید

و برکاتہ و ذاکر نے اہم شمس من تبریح لہ لود ۱۳۸۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و الصلوه والسلام على خير خلقه محمد وآله الطاهرين و اللعن على اعدائهم اجمعين، و بعد جناب مستطاب عمادالعلماء الاعلام، حجه الاسلام و المسلمين، آقای حاج شيخ عزيزالله نهاوندی دامت برکاته از قبيل احقر معجاز و مأذون هستند در تصدی امور حسبيه که در زمان غيبت منوط به اذن فقيه جامع الشرايط است و در اخذ حقوق شرعيه از قبيل اخماس و زکوات و مظالم و کفارات و صرف آنها را در مصارف مقررهی شرعيه و نيز جناب ايشان و کيل هستند در اخذ و قبض سهم مبارک امام عليه الصلوه و السلام و صرف آنها در مصارف مقررهی شرعيه آن از قبيل سادهی مستحقين و طلاب علوم دينيه و جوائج لازمهی خود و ارسال زائد را نزد حقير برای اقامهی حوزههای علميه قم و نجف و اوصيه دام عنده بمراعه الاحتياط و ... (في اليوم الثامن من شهر ربيع المولود ۱۳۸۲د)

احمد الموسوی الخوانساری

مشى سياسى و مردمى آيت‌الله علیمیرادیان در قبل از انقلاب

آیت‌الله علیمیرادیان به حوادث زمان خود آگاه بود و همواره از حرکت‌های اصیل مردمی حمایت می‌نمود. ایشان ضمن وفاداری به آرمان‌های انسانی و انقلابی مردم، خواسته‌های به حق آنان را گاه به صورت پند و نصیحت و گاه به صورت اعتراض به گوش مسئولین رژیم شاه و ادارات می‌رساند. از جمله:

۱ - «حاج شیخ در عین این که مرد دین بودند و به امور دنیوی کم‌تر می‌پرداختند ولی چندان هم از امور اجتماعی بی‌خبر نبودند. به یاد دارم وقتی بعد از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شهربانی نهبانند شروع به دستگیری افراد توده‌ای و مخالف دولت کرد، به اطلاع ایشان رسانیدند که در شهربانی مردم را حین بازجویی کتک می‌زنند و شکنجه می‌کنند.

حاج آقا در اعتراض به این اعمال و با پیام به رئیس وقت شهربانی، شهر را به عنوان اعتراض ترک کردند. مردم شهر به محض باخبر شدن از قضیه، از پی ایشان به راه افتادند و رضایت ایشان را برای بازگشت جلب نمودند. شهربانی هم از اعمال خود کوتاه آمد و حتی بعضی از توده‌ای‌ها را برای ادای سوگند به حضور ایشان فرستادند.»^۱

۲ - «تجلیل از مرحوم تختی، پهلوان نامدار ایران - در مسجد سرخیابان (حوزه‌ی علمیه) که تحت نظر حاج شیخ عزیرالله علیمیرادیان (ره) بود مجلس ختمی برگزار شد و مسجد

پراز اقشار مختلف، خصوصاً قشر جوان و محصلین بود، که شدیداً حکومت وقت را متوجه سیاسی بودن شهر نهایند نمود.^۱

این حمایت و تجلیل نشانه‌ی حساسیت سیاسی و اجتماعی و احترام به عقاید و افکار عمومی بود، ضمن این که حکایت از علاقه‌ی ایشان به جامعه‌ی ورزشی نیز داشت.

۳- ماجرای جشن‌های ۲۵۰۰ ساله‌ی پهلوی در آبان ۱۳۵۰ قرار بود یک گروه رقص و موزیک به همین منظور به نهایند بیایند. نمایندگان اقشار مختلف به خدمت آیت‌الله علیمرادیان می‌رسند و از ایشان درخواست می‌کنند تا تدبیری بیندیشد و از این برنامه جلوگیری کند. زیرا همه می‌دانستند تنها کسی که می‌تواند معقولانه و با کم‌ترین ضرر و زیان این مشکل را حل کند، ایشان است و پیش‌بینی‌های آن‌ها نیز درست بود.

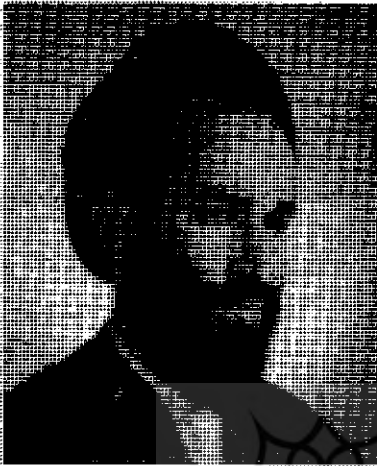
در این باره می‌خوانیم «با مراجعه همین جوانان و در رأس آنان گروه ابوذر نهایند [با پی‌گیری شهید منبسط] به آیت‌الله علیمرادیان و درخواست از ایشان برای جلوگیری از این برنامه، مشارالیه به شهربانی تلفن می‌زند و اعلام می‌کند که اگر این برنامه اجرا شود وضع خطرناکی پیش خواهد آمد و به آن‌ها دستور می‌دهد که از اجرای برنامه خودداری نمایند و در نتیجه رژیم در این کار خود [اجرای کنسرت] برای اولین بار در ایران، در نهایند شکست می‌خورد و عقب نشینی می‌نماید.^۲»

۱- علی حسینی، محمدرضا، ستاره‌های ابوذر، انتشارات آشتی، ۱۳۷۸ تهران، ص ۳۲ و مجموعه

مقالات نهایندشناسی ۲، ص ۳۸

۴- در جریان فوت مرحوم حجت‌الاسلام حاج آقا مهدی گلپایگانی (سال ۱۳۵۷)، فرزند حضرت آیت‌الله العظمی گلپایگانی، مراسمی از سوی مرحوم آیت‌الله علیمرادیان در مدرسه‌ی علمیه برگزار شد. این جلسه با شرکت جمعیت کثیری از اهالی شهر و روستا و آیت‌الله محسنی ملایری و عده‌ای از علمای قم در معیت مرحوم آیت‌الله علوی داماد حضرت آیت‌الله العظمی گلپایگانی برگزار گردید و سخنران این مراسم «آقای صابری واعظ» بود.

در حین سخنرانی، حجت‌الاسلام شیخ محمدصادق شهبازی (داماد حاج شیخ) به آقای صابری یادآوری نمود که از امام خمینی (ره) نیز تجلیل شود. تذکر، عملی شد و وقتی نام مبارک حضرت امام (ره) آورده شد، مردم با صلوات مکرر شور و نشاط دیگری به مراسم دادند و به تبع آن سخنرانی آقای صابری بسیار جذاب و آتشین شد. بعد از جلسه‌ی سخنرانی نظم شهر برای مدتی مختل گردید و شهربانی وارد عمل شد. مأموران به تیراندازی، شلیک تیر هوایی و ضرب و شتم مردم اقدام کردند و پس از ساعتی جمعیت را متفرق نمودند.



بسمه تعالی

ولا تحسبن الذين قتلوا
في سبيل الله امواتاً بل
احياء عند ربهم يرزقون

باکمال تأسف فاجعه رحلت آیه الله
زاده معظم حجة الاسلام و المسلمین
آقای حاج سید مهدی گلپایگانی
قدس سره فرزند مرجع عالیقدر جهان

تشیع حضرت آیه الله العظمی آقای گلپایگانی مدظله را که در راه کمک بزلزله
زدگان طیس و قبول تکفل ایتم و مراقبت در پرورش دینی آنان بوضع دلخراشی
کشته شدند به پیشگاه حضرت بقیة الله ارواح العالمین له الفداء و جامعه روحانیت
بالاخص حضرت آیه الله العظمی آقای گلپایگانی دامت برکاته و بیت جلیل
معظم له تسلیت عرض نموده بقاء عمر شریفشان را از خداوند متعال مستلت دارم.
بهمین مناسبت جهت تجلیل از مقام شامخ روحانیت و قدردانی از خدمات
و گامهای بلندی که این فرزند فضیلت در راه اسلام و روحانیت برداشت
مجلس یادبودی روز پنجشنبه دوم دیقنده از ساعت ۳ الی ۵ بعد از ظهر در
شهرستان نهاوند مدرسه علمیه برقرار شرکت عموم مسلمانان موجب امتنان
است.

اقل الحاج حاج شیخ عزیز اله علیمر ادیان

اطلاعیه‌ی مرحوم آیت الله علیمر ادیان به مناسبت درگذشت حجت الاسلام سید مهدی گلپایگانی

فرزند آیت الله العظمی گلپایگانی (شهریور ماه ۱۳۵۷)

« بسمه تعالی »

در این موقع از زمان له‌جنت ایران به پیروی از نهضت سردر آراذگان حسین -
 ابن علی علیه السلام پیروان داد حق در تکرار انقلاب اسلامی برای رهایی از یوغ
 استعماری به رهبری زعم جمجمه عالم‌المقر جهان تشیع نایب الاما خمینی برای فرد
 ریختن کاغذ ظلم و ستم با تارهایان فرود حاضرند این وظیفه شری را مابینا برسانند.
 اینجانب از طرف جامعه روحانیت مردم غیر و مبارزین بار دیگر همتی خود را
 به این همتی اسدی اعلام داشته، ضمن محرم کردن کلیه نظامات طاغوتی پشتیبانی نمود
 و از مرجع عالم‌المقر در راه برقراری حکومت اسلامی ابراز امید (۳). ضمناً در این موقع هماسی که
 نهضت اصل اسلامی در آستانه پیروزی است توجیه عموم احادی را بدو نکته جلب میکنم
 ۱- دشمنان مردم در صورتی که این نهضت اصل اسلامی را از مسیر حقیقی خود منحرف کنند
 لذا با آگاهی هرچه بیشتر اتحاد و یکپارچگی خود را حفظ نموده اجازه ندهید که دشمنان
 بین شما تفرقه ایجادند.

۲- مسائله با غیر شما که بعضی از احادی بجای آنکه در این موقع هماسی مردم
 را یاری کنند، گرانفروشی نموده اینها منفر را بصیحت گزافی عرضه میدارند. لذا از کلیه اصحاب
 محرم تا وزیر خواها هم اگر آن نفروشی جدا نمودند، رای مردم را در قضیه قرار ندهند و همتی
 خود را با ملت مبارز اعلام کنند و الا عند الله مشرک و مراخذه خواهند شد.

والسلام علی من اتبع الهدی
 ۲۳ شهریور ۱۳۵۹
 ابراهیم طابع شیخ خرمزله
 در وقت روایت شده





نمونه ای از تظاهرات مردم نهایند با حضور آیت‌الله علیمرادیان (قبل از پیروزی انقلاب)

۵- آیت‌الله علیمرادیان پس از عزیمت امام خمینی (ره) از عراق به پاریس تلگرامی به شرح زیر برای ایشان مخابره نمود (روزنامه اطلاعات ، ۱۰/۵۷۸):

پاریس - حضرت آیت‌الله العظمی خمینی

عزیمت آن رهبر عظیم‌الشان را از جوار مولای متقیان به پاریس ، ... در راه احقاق حق ملت مسلمان ایران [می‌دانیم] و از درگاه خداوند متعال و ساحت مقدس ولی عصر (عج) موفقیت آن حضرت را خواهانیم.»

از طرف علما و مردم نهایند، حاج شیخ عزیزالله علیمرادیان

۶- به علت به آتش کشیدن داروخانه‌ها و ممانعت از خدمات رسانی پزشکان از سوی عمال رژیم شاه، مشکلات حادی برای بیماران و به خصوص مجروحان مخالف رژیم ایجاد شده بود.

موضوع به آیت‌الله علیمرادیان منتقل شد و با پیگیری ایشان و اعزام فرستاده به قم، سریرا هیئتی از علما و جمعی از پزشکان با دارو و وسایل پزشکی از سوی آیت‌الله العظمی گلپایگانی به سرپرستی حجت‌الاسلام حاج شیخ محمدصادق شهبازی به نهاوند روانه شد و در منزل ایشان اقامت گزیدند. سپس به بیمارستان شهید حیدری (پهلوی سابق) جهت معالجه‌ی بیماران و مجروحین رفتند. آن‌گاه در یکی از حجره‌های مدرسه‌ی علمیه‌ی سرخیابان مستقر شدند و به مداوای بیماران پرداختند.

نامه‌ی حضرت آیت‌الله العظمی گلپایگانی به آیت‌الله علیمرادیان، که در روزنامه‌ی اطلاعات به چاپ رسید، شرحی بر این حادثه است:

«ابراز تأسف حضرت آیت‌الله العظمی گلپایگانی از وقایع نهاوند»

حضرت آیت‌الله العظمی حاج سید محمدرضا گلپایگانی طی نامه‌ای به عنوان حجت‌الاسلام حاج شیخ عزیرالله علیمرادیان، حوادث ناگوار شهرستان نهاوند را محکوم کرد. متن نامه چنین است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جناب مستطاب حجت‌الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ

عزیرالله علیمرادیان دامت برکاته. بعد از سلام و تعحیت، فرستاده‌ی

اعزامی جناب‌عالی شرح جنایات و مظالم مأموران مسلح و عمال رژیم

فاسد و محتضر را اطلاع دادند. قبلا هم مطلع بودم. این جنایات شاید در

رژیم‌های مغولی و ملل و حسی سابقه نداشته باشد. انصافاً نظام فعلی ماهیت رژیم منحط به اصطلاح شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله را به دنیا نشان داد و پرده از چهره‌ی زشت و کریه اجتماعی خود برداشت. با تقبیح شدید این اعمال و حشیانه و تجاوز به اموال و قتل و جرح اطفال و تخریب اماکن و مغازها، امیدواریم به حول و قوه‌ی الهی هرچه زودتر رژیم دیکتاتوری فعلی، که در امواج جنبش اسلامی ملت غرق شده، الی‌الابد نیست و نابود گردد و به برکت اجرای احکام اسلام، جامعه به آزادی و امنیت واقعی و عدالت اجتماعی و استقلال حقیقی برسد و دست استعمار و غارتگران اموال بیت‌المال قطع شود. سلام و تحیت حقیر را به حضرات آقایان علما و اهالی محترم نهند و حومه به خصوص کسانی که در این حوادث داغدار شده‌اند و خسارت‌های جانی و مالی دیده‌اند ابلاغ نمایند. از خداوند متعال برای همه اجر جزیل و صبر جمیل مسئلت دارد.

در خاتمه در معیت حضرات آقایان علما که برای تسلیت حضوری تشریف می‌آورند یک هیئت پزشکی و دار و از بیمارستان این جانب جهت معالجه‌ی مجروحین و در صورت لزوم انتقال آن‌ها به قم اعزام شد.^۱

۷- تلگرام تشکر آیت‌الله علیمرادیان از کمک رسانی علما از جمله آیت‌الله طالقانی به مجروحین و تظاهرات: «نهاوند: دیروز حاج شیخ عزیرالله علیمرادیان از طرف جامعه‌ی روحانیت نهاوند، تلگراف‌های تشکر آمیزی به تهران، شمیران، همدان و ملایر مخابره کرد. در این تلگرام‌ها از کمک‌های بی‌دریغ و درمانی علمای اعلام از جمله حضرت آیت‌الله طالقانی به مجروحین تظاهرات اخیر نهاوند تشکر و سپاس‌گزاری شده است.» به نقل از روزنامه‌ی اطلاعات ۲۱ دی‌ماه ۵۷ شماره‌ی ۱۵۷۵۷، ص ۳



صحنه‌ی دیگری از راهپیمایی مردم و شخصیت‌های روحانی شهرستان نهاوند

احترام و تکریم متقابل

آیت‌الله علیمرادیان اصولاً حرمت نهادن به جان و مال و ناموس مردم و حفظ آبروی آن‌ها را بهترین عبادت تلقی می‌کرد و بر این اساس بود که همواره در امور حیاتی مردم نقش مثبت و خداپسندانه ایفا می‌نمود و در کارهای انسانی و رفع کدورت‌های احتمالی و سوء تفاهم‌ها پیش قدم بود.

بنابراین ایشان نه تنها از سوی بزرگان و شخصیت‌های محلی در شهرستان نهاوند مورد احترام بود، بلکه نزد علما و دانشمندان بزرگ اسلامی کشور حرمت و شأن والایی داشت.

از جمله هرگاه فرصتی پیش می‌آمد و به قم مشرف می‌شد، مراجع بزرگوار و فضلا و طلاب به دیدن ایشان می‌آمدند. توضیح این که مرسوم بود هرگاه شخصیتی روحانی از شهرستان‌ها به قم می‌آمد مراجع بزرگوار به دیدنشان می‌رفتند و سپس آن شخصیت نیز بازدید آقایان مراجع را پس می‌داد.

مرحوم آیت‌الله علیمرادیان وقتی به قم مشرف می‌شدند در زمان حیات ابوالزوجه‌اش، مرحوم کربلایی علی یخچالی، به منزل ایشان که در یخچال قاضی، نزدیک بیت امام خمینی (ره) واقع بود، وارد می‌شد و اقامت داشت. آن‌گاه مراجع بزرگوار حضرت امام خمینی (ره)، حضرت آیت‌الله العظمی گلپایگانی و حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی و دیگر مراجع عظام به دیدن ایشان تشریف فرما می‌شدند.

راجع به این دیدارهای متقابل خاطره‌ای شنیدنی نقل کرده‌اند. زمانی که حضرت امام خمینی (ره) پس از آزادی از زندان و قبل از تبعید به ترکیه به قم بازگشت (سال ۴۲)،

مرحوم حاج شیخ از نه‌اوند جهت ملاقات و اعلام پشتیبانی از قیام ایشان به قم آمد و به دیدار امام (ره) رفت.

فردای آن روز حضرت امام خمینی (ره) پیغام دادند که جهت بازدید حاج شیخ خواهم آمد. جوانان متدین و حزب‌اللهی محل که بعضی از آن‌ها از منسوبین حاج شیخ بودند و بعضی از آن‌ها بعدها جزء شهدا و مفقودین جنگ تحمیلی شدند، به مجرد اطلاع از تشریف فرمایی امام، با شوق و شعف غیر قابل وصفی تمام کوجه و محله‌ی یخچال‌قاضی را از بیت امام تا منزل کربلایی علی چراغانی کردند و امام (ره) با شکوه و عظمت خاصی تشریف آورد و از ایشان بازدید نمودند.

بعد از فوت مرحوم کربلایی علی، آیت‌الله علیمرادیان در اقامت‌های بعدی خود در قم، به منزل دامادشان حجت‌الاسلام محمد صادق شهبازی وارد می‌شد و مراجع معظم از جمله حضرات آیات گلپایگانی، مرعشی نجفی و دیگر فضلا و طلاب و روحانیونی که با حاج شیخ آشنا بودند در این منزل به دیدن ایشان می‌آمدند و حاج شیخ متقابلاً از آن بزرگواران بازدید می‌نمود.

زمانی که حاج شیخ در تهران به منزل مرحوم دکتر ماشاءالله علیمرادیان، برادر بزرگوارش تشریف می‌برد، به مجرد این که حضرت آیت‌الله العظمی آقای حاج سید احمد خوانساری مطلع می‌شد به دیدن حاج شیخ تشریف می‌آورد و حاج شیخ نیز بازدید آن مرجع بزرگوار را پس می‌داد.

آیت‌الله علیمرادیان هر چند جایگاه علمی و موقعیت تبلیغی منحصر به فردی داشت، اما می‌کوشید علما و مبلغین متعددی را به این شهرستان دعوت کند و هم‌چنین از

روحانیون محلی به گرمی پذیرایی می‌کرد تا معارف اسلام به زبان‌های متنوع و گوناگون تبلیغ شود و مردم دین و اعتقادات خود را نشئت گرفته از یک نفر ندانند. ایشان به تعبیر استاد علی دوانی «یک شخصیت روحانی فعال، بیدار، وظیفه‌شناس و آمر به معروف و ناهی از منکر بود و شهر نهاوند از معنویت و نور روحانی او روشن و بهره‌مند می‌شد. با وجود چنان شخصیتی و از نفس گرم او نهاوند دارای مردمی متدین و مسلمان گردید، آن‌چنان که زبان زد خاص و عام شده بود»^۱ و به مناسبت‌های مختلف از جمله در شب‌های قدر منبر می‌رفت و به‌وعظ و خطابه و بیان احکام دین می‌پرداخت. در عین حال با استقبال از سایر علما، وعاظ و سخنرانان و مدیحه‌سرایان، چه ساکن در نهاوند و چه مدعوین از قم و شهرستان‌های دیگر، میدان را برای آنان جهت ارشاد و تبلیغ معارف اسلام و اهل بیت (ع) باز می‌گذاشت و با شرکت کردن در پای منبرشان آنان را مورد تشویق و حمایت خود قرار می‌داد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

آثار قلمی آیت‌الله علیمرادیان

عالم و فقیهی مانند آیت‌الله علیمرادیان که هم از نبوغ و استعداد فوق‌العاده‌ای برخوردار بود و هم درجات عالی علمی و حوزوی را در محضر استادان و مراجع عالی قدر کسب کرده است، نمی‌تواند فاقد آثار و تألیفات مکتوب باشد، و نبود این بخش مهم از زندگی‌نامه را در این مجموعه به معنی نبود آن تلقی نکنیم. امیدوار هستیم علما و شخصیت‌های آشنا با ایشان، این خلأ محتوایی ویژه‌نامه را تأمین کنند، تا در شماره‌های بعدی فرهنگان گزارشی از شروحنی که ایشان بر کتاب‌های فقهی زده‌اند و رسائلی که در زمینه‌های مختلف فقه و اصول نگاشته‌اند به اطلاع خوانندگان گرامی برسد.

البته تردیدی نیست که اگر ایشان در سال ۱۳۲۳، به جای این که بازگشت طولانی و تمام وقت در نهایند را بر می‌گزید هم‌چنان در قم می‌ماند و هم‌چون علمای هم‌تراز و هم‌دوره‌ی خود مطالعات حوزوی را ادامه می‌داد، هم در سطوح عالی حوزه‌ی علمیه ارتقا می‌یافت و هم صاحب آثار متنوع علمی و فقهی می‌شد. اما حضور دائمی‌اش در نهایند به دلایلی که ذیلاً اشاره می‌شود در این خصوص به طور طبیعی می‌تواند عامل بازدارنده یا کُندکننده‌ای به حساب آید. تا آن‌جا که در یک بررسی کلی می‌توان گفت به ازای خدمات و فداکاری‌های عظیم مردمی چنین شخصیتی در یک منطقه‌ی بن‌بست و محروم، پرداخت چنین هزینه‌ای هم طبیعی است و چنین وجود فیاض و مفیدی به

تعبیر فقها «بئر معطله» گردیده و از زلال جاری علومش به خوبی استفاده نشده است. اما دلایل حضور آیت‌الله در نهاوند:

۱- چندین دهه از ۱۳۲۰ به بعد سراسر کشور، از جمله شهرستان نهاوند، وارث رکود و وقفه و بی تفاوتی نسبت به اسلام و دینداری شد که این هم البته، ریشه در استبداد رضاخانی داشت. مساجد به مکان‌های متروکه تبدیل شده بود و مراسم و شعائر دینی یا فراموش شده بود و یا مخفیانه و مختصر در گوشه و کنارها برپا می‌شد.

آیت‌الله علیمرادیان زمانی که رسماً در نهاوند مستقر گردید (۱۳۲۳) مسئولیت سنگین احیای دین و رونق بخشیدن به نماز جماعت و فعالیت‌های مذهبی این شهرستان را یک‌تہ به عهده گرفت. بنابراین تعمیر و بازسازی تدریجی هر یک از مساجد واحداث مساجد جدید هر کدام کافی بود که فکر و ذهن ایشان را به خود مشغول کند و فرصتی برای ارائه آثار مکتوب باقی نگذارد.

۲- مردم شهر و روستاهای نهاوند همواره در خدمت و در محضر حاج شیخ بودند و برای پاسخ گرفتن و رفع نیازهای شرعی خود پیوسته به ایشان مراجعه می‌کردند. اما نظر به این که سطح درخواست‌ها و سؤالات آنان محدود به ضرورت‌های شرعی‌شان بود، کم‌تر فرصتی به وجود می‌آمد که متقاضی درک معارف عمیق اسلامی باشند و به هر حال این مستمع است که صاحب سخن را به ذوق و تحرک وامی‌دارد.

۳- تأسیس مدرسه‌ی علمیه‌ی سرخیا بان از خدمات ارزشمند آیت‌الله علیمرادیان بوده و هست. اما نظر به این که این مدرسه واسط و رابطی بین نهاوند و قم بود و طلاب جوان از شهر و روستا چند صباحی در این مدرسه درس می‌خواندند و سپس به قم هجرت می‌کردند، شرایط مناسبی ایجاد نمی‌شد که ایشان فعالیت‌های علمی گسترده‌تر و عمیق‌تری در این مدرسه داشته باشند.

تعدادی از معلمان علاقه‌مندی هم که در زمان‌های خاصی به این مدرسه مراجعه می‌کردند نیازشان در حد آشنا شدن با زبان عربی و معلومات محدودی بود.

۴- کسالت و بیماری‌های گاه به‌گاه ایشان نیز در ایجاد وقفه و رکود در مباحثات و بررسی‌های دراز مدت علمی و فقهی ایشان بی‌تأثیر نبوده است.

با توجه به این عوامل نباید توقع داشته باشیم که آیت‌الله علیمرادیان می‌بایست پا به پای شخصیت‌های مشابه در قم آثار متعددی ارائه می‌داد. همان‌طور که شخصیت‌های مستقر در قم توفیق احیا و رونق بخشیدن دین را در یک منطقه‌ی محروم مانند نهاوند نداشته‌اند.

البته، شاگردان ایشان که بعدها به درجات علمی و اجرایی نائل شده‌اند، خود، نوعی محصول علمی و فقهی ایشان‌اند و سخنرانی‌های ایشان در منابر در طول چهل سال، مجموعه‌های ارزشمندی از معارف اسلام بوده است و صد افسوس که آن سخنان به صورت نوار ثبت و ضبط نشده‌اند و گرنه همان‌ها خود آثار برجسته‌ای از تقریرات ایشان به حساب می‌آمد.

تعدادی یادداشت و مکاتبه از آن مرحوم برای مجله ارسال شده است که نمونه‌ی آن‌ها به نظر خوانندگان خواهد رسید. دست‌نوشته‌هایی هم که حاوی اشعاری از ایشان است - هرچند ناقص - مورد استفاده قرار گرفته و ذیلاً توضیحی درباره‌ی آن‌ها داده می‌شود.

۵۸/۲۱

جناب آقای حاج شیرزاد زید توفیق

۲

مصیبت وارده فوت مرحوم اخوی را به جناب عالی
 و سایر بازمانده گان آن مرحوم تسلیت عرض می‌دارم
 جناب آن مرحوم وصیت نکرده برای حمل جنازه
 بقبر جناب عالی موافق باشید همان اجازت
 آن مرحوم را در قبرستان جهان آباد
 نمایند و مخارج حمل را مستمندان جهان آباد
 بدهند امید است خداوند غفار به جناب عالی
 و همه بازماندگان صبر جمیل فرماید

اقل الحاج حاج شیخ محمد

رتال جامع علوم انسانی

نمونه‌ای از دست خط آیت الله علیرادیان (مربوط است به مصاحبه با حاج شیرزاد زمانیان ،

بخش دوم)

جناب آقای حاجی شیرزاد زید توفیق

مصیبت وارده فوت مرحوم اخوی را به جناب عالی و سایر بازماندگان آن مرحوم تسلیت عرض می‌دارم . چنانچه آن مرحوم وصیت نکرده برای حمل جنازه به قم و جناب عالی موافق باشید ممکن است جنازه آن مرحوم را در قبرستان جهان آباد دفن نمایید و مخارج حمل را به مستمندان جهان آباد بدهید . امید است خداوند غفار به جناب عالی و همه بازماندگان صبر عنایت فرماید .

اقل الحاج ، حاج شیخ عزیزالله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مخفی نامند که ای آقا سید معروف سیادت چه شده که در ملک و سعادت

ایشان کار بابت سهم سادات و نذورات و تبرع بجا آید و الله مورد

قبول خواهد بود خداوند بخشنده نیک دهنده اشخاص را که معاونت و کمک

بسات می‌نمایند بتاريخ ۲ صیام ۱۳۳۱

۱۳۴۲ شمسی حاج شیخ عزیزالله

بِسْمِ اللَّهِ تَعَالَى

مخفی نامند که آقای آقا سید ... معروف به سیادت می‌باشد. لذا کمک و مساعدت به ایشان از بابت سهم سادات و نذورات و تبرع به جاست و ان شاء الله مورد قبول خواهد بود. خداوند پاداش نیک دهد اشخاص را که معاونت و کمک به سادات می‌نمایند. به تاریخ ۲ صیام الحاج الشیخ عزیزالله [۱۳۴۲ شمسی]

نمونه‌ی دیگری از دست‌خط آیت‌الله علیمرادیان (معرفی یکی از سادات به مردم)

باد صبا بگذر کنج بیکدم بیلوی جانان
اندک کلام شهر است مآدی و منزل تو
بیکدم حرام ایبه از پرده سرخ عیان کن
تا چند باشی ایکل پنهان نزدیده کانم
از رخ ریت بنالم جاموسن و آه دافغان
چنانظر بهالم سوزنم چه شام تا سرت
غیسند بر سن زاس گز بهر تو بسوزنم
نرمم که سخنجیرم روی تو سرت بنیتم
بالین من قدم نه در وقت دادن جان
باشند عزیز ملکین چون موعن ناتوانی
رمضان ۱۳۹۵

بر کو بد لب بر من آن سرد نمانن خوبان
باشند بدشت و صحراء یا طرف کوه ساران
کعبتی نامنوس ای آفتاب رخشان
هر صبح دشام کریم چون ابر در بهاران
چون بلبلان جنیدل بر طرف شاخاران
تاب و لیوان نذر دم دردم نما تو در مان
آتش سوزن که جانم قلب مرا سوزان
بر من عنایتی کن حق خدا ای رحمان
بدینم سرخ نکویت ای روح دلا و دریغان
براد تفقدی کن ای وارث سلیمان

دل‌سروده‌ها

آیت‌الله علیمرادیان نه شاعر بود و نه در طول سال‌ها خدمات اسلامی خود در نهادند، ادعای شاعری داشته است. اصولاً بسیاری از علمای ربانی، روحانیون و عرفای جهان اسلام، که شاعر نبوده‌اند، از گذشته تا به امروز، به اقتضای انس و مداومت طولانی با فرهنگ غنی اسلامی و ایرانی، از حوزه‌ی شعر و شاعری کاملاً برکنار نمانده و دست‌کم برای خلوت خود، «دل‌سروده»هایی داشته‌اند.

بن مایه‌ی این سروده‌ها معمولاً موضوعاتی از این دست بوده و هست:

- بهره‌گیری از آیات و احادیث

- استناد به مسائل کلامی، فلسفی و عرفانی

- شکایت از نابه‌سامانی‌های اجتماعی

- بیان نصیحت و توصیه‌های حکیمانه و اخلاقی

- مناجات و راز و نیاز با خداوند و معصومین (ع)

آنچه ملاحظه می‌کنید تعدادی دو بیتی و قصیده و غزلواره‌ای از سروده‌های مرحوم آیت‌الله علیمرادیان است که سال‌ها پس از رحلت ایشان، از لابهلای دست‌نوشته‌های آن مرحوم به دست آمده که با گزینش و طبقه‌بندی موضوعی و با اندک تصرف، در این ویژه‌نامه درج گردیده است. تخلص آیت‌الله علیمرادیان «عزیز مسکین» بود.

بنابر اظهارات بعضی از روحانیون و شخصیت‌های مرتبط با آن مرحوم، مجموعه شعرهای دیگری از مرثی و مدایح و... به صورت دست‌نوشته از ایشان بر جای مانده است. اما چون تاکنون به آن‌ها دست نیافته‌ایم، به همین نمونه‌ها اکتفا می‌شود.

در صورتی که بعدها آثار و اشعار دیگری از ایشان در اختیار فصل‌نامه قرار گیرد،

متعاقباً به اطلاع خوانندگان خواهد رسید.

(۱)

مرتب شد بروج از نظم و حکمت

تحقیق یافت زان «اعراض» و «جوهر»
بشد ز «اعراض» «ماهیت» مصور

چو «ممکن» گشت از «هستی» منور
چو شد «اعراض» با «جوهر» هماهنگ

منور شد جهان و رفت ظلمت
مرتب شد بروج از نظم و حکمت

کواکب آسمان را داد زینت
شناور گشت از سیار و ثابت

پدید آمد عقول از امر یزدان
در آن، جا داده شد خورشید تابان

تجلی کرد چون خلاق سبحان
پس افلاک تسع آمد منظم

هم از ارض و سما و مهر انور
نشانی از تجلیات دلبر

ببود گیتی همه از خشک و از تر
ز سیارات سبع و ماه رخشان

به بینایی و هشیاری نظر کن
یکی را بین و از غیرش حذر کن

به آفاق و به انفس رو سفر کن
بین «کثرت» بود در عین «وحدت»

علوم رسمی‌ات حاصل سراسر
شوی با «عالم اکبر» برابر

شوی در بحر دانش گر شناور
گرت باشد عمل با توسن عقل

سرش افسردی از تاج «لولاک»،
نمود اقرار و گفتا «ما عرفناک»

همان عقلی که بود از طینت پاک
به عجز خویش از درک حقیقت

جهان باشد نشان از جلوه‌ی یار
نباشد غیره فی الدار، دینار

به نزد عارف دانای هشیار
همه ذرات عالم فاش گویند

قدم نه در حریم قدس دادار
شوی هم بزم خلوتگاه آبرار

چراغ علم و دانش را به دست آر
صفا و روشنی یابد روانت

به هر گل بنگری از وی نشانی است
کمال بی مثالش جاودانی است

گلستان جهان را باغبانی است
جهان زیباست از فرط جمالش

(۲)

صفا بخشی به عالم جز خدا نیست

نوای بلبلان هر سو نمودار
نشان از حضرت حق بین و دادار

نباشد حرفشان غیر از فسانه
به جز محبوبِ دادارِ یگانه

به غیر از ذاتِ او کس را بقا نیست
صفا بخشی به عالم جز خدا نیست

نگر گل‌های رنگارنگ و الوان
نباشد صانعِ ما غیرِ یزدان

به غیر از حق‌مده‌کس را به خود راه
که تا بد اندران انوارِ آنه

دلت یک‌باره گردد پاک از عیب
بیینی یارِ خود بی شک و بی ریب

نشینی ساعتی با می‌گساران،
قدم نه در بساط هوشیاران

اگر بینی بهار و گل پدیدار
چمن‌ها سبز و خرم، بهجت افزا

حدر بنما ز ابنای زمانه
مگو رازِ درونِ خویش با کس

به نام ایزدی کاو را فنا نیست
جهان از برتو نورش درخشان

قدم بگذار جانا در گلستان
که با شوق و شغف گویند دائم

دلا از خواب شو بیدار و آگاه
حریم دل نما از غیر خالی

اگر بینا شود چشمانت از غیب
ز بینش با صفا گردد روانت

گرت باشد هوای بزم یاران
درون را پاک‌کن از غیر محبوب

شهره‌شگاه علوم اسلامی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

(۳)

رهت دور است فکر توشه‌ای کن

فضایش پر شدی ز آواز بلبل ، نه گل ماند و نه ریحان و نه سنبل	گلستانی که زینت یافت از گل سپاه دی در آن جا زد شبیخون
***	***
بُود افسانه‌ای زیبا و فتان فریبد دوستانش را چو ماران	نبندد دل به دنیا غیر نادان به ظاهر جلوه‌ی نیکو نماید
***	***
فرار از نفس شیطان پیشه‌ای کن رهت دور است فکر توشه‌ای کن	دلا از بهر خود اندیشه‌ای کن سبک بنما تو خود بارگران را
***	***
چرا در قید نفسی و هوایی؟ نباشد اندر این ره روشنایی؟	دلا از خویشتن غافل چرایی؟ رهی پر خار و خس در پیش داری
***	***
نگردد مرده دل از خواب بیدار کند زیبایی خورشید انکار	مکن با کوردل جانان تو پیکار جمال و حُسن دلبر را نبیند
***	***
برون کن از سرت سودای شهوت ندارد سود، شیر از آه و حسرت	دلا بیدار شو از خواب غفلت مشو پاینده این دنیای مکار
***	***
ز جهل و ظلمت آن بر حذر باش هم از نیکان شوی ، اهل نظر باش	به شهر علم و دانش در سفر باش چو خواهی شمع دل گردد فروزان
***	***
نیابد ره به دانشگاهِ سرد به تاریکی فرو ماند مؤبد	دل بی دانش ناخوانده ابجد نداند هیچ از سود و زیان را
***	***
اصول و فقه و حکمت هر چه خوانی، همانا جاهلی و خودندانی	ز صرف و نحو و منطق و ز معانی ولیکن گر عمل در تو نباشد
***	***
که ناکس کس نگردد، این سخن بس! نروید در زمین شوره جز خس	دلا زحمت مکش در پای ناکس مکن تخم عمل ضایع که هرگز

(۴)

دلیم با من همی دارد سر جنگ

- خدا یا با که گویم مشکلم را؟
دوای دردِ خود را از که جویم؟
- ***
- دلیم با من همی دارد سر جنگ
ندانم از چه روبا من ستیزد؟
- ***
- سحر شد بلبلی سرمست و خندان
گلش پژمرده دید از بادِ صرصر
- ***
- به شوقِ وصلِ گل اندر گلستان،
شده شوریده دل در آه و افغان
- ***
- فغان از گردشِ دنیای مکار
که هر طفلی بزاد آن مامِ بی‌مهر
- ***
- خدا یا غیر تو کس را نجویم
به هر کس در گذشته راز گفتیم
- ***
- منم آن بلبل شوریده احوال
فراقِ گل، پرو بال مرا سوخت
- ***
- من آن مسکین زارِ دل غمینم
بگردم گردِ گیتی روزِ روشن
- ***
- گناهان مرا نبُود شماره
اگر دلبر نبخشد سیتانم
- ***
- درینا عرم از هفتاد بگذشت
ندیدم من رخ زیبای آن یار
- ***
- دل افسرده را صبر و سکون نیست
چویارم از نظر گردید پنهان
- به که ظاهر کنم دردِ دلیم را؟
کند درمان، نوزد حاصلم را؟
- زند بر شیشه‌ی من هر زمان سنگ
کند بر من فضای شش جهت تنگ؟
- که بتوان رازِ دل با وی بگویم
مرا دشمن شد و بُرد آبرویم
- که از هجرانِ گل بشکستام بال
بنالم روز و شب غمگین و بد حال
- که بی سامانم و بی هم نشینم
به شبها گوشه‌ی عزلت گزینم
- بود جرمم فزون‌تر از ستاره
مرا دیگر نباشد هیچ چاره
- بسی گشتم به صحرا و درو دشت،
نصیب و بهره‌ام حرمان و غم گشت
- غذای روز و شامم غیر خون نیست
مرا حالی کنون غیر از جنون نیست

(۵)

به غفلت رفت سرمایه به یغما

بدیدم خفتگانِ نوع انسان
زنان، مردان، فقیران، تاجداران

شدم روزی به قبرستان خرامان
همه خاموش در خاک آرمیده

هزاران کوزه را دیدم خموشان
چه شد کوزه خران، کوزه فروشان!

به نزد کوزه‌گر رفتم خروشان
زبان حال آنان یک سراین بود

ببین شکر لبان در رنج و محنت
عروسان خفته بین با آه و حسرت

گذر کن سوی قبرستان به عبرت
شود با مار و با موران هم آغوش

که در فرمانشان بُد هفت اقلیم،
فرو افتاده‌اند و گشته تسلیم

بسی شاهانِ صاحب تاج و دیهیم
ز اوج سلطنت بر خاکِ ذلت

بشویم دست را از زندگانی
دم رفتن، ندارم ارمغانی

باید رفتیم زین دارفانی
به دوشم بارِ سنگین گناهان

نهادم پا، شدم سرمست و شیدا
به غفلت رفت سرمایه به یغما

به کاخ دل فریبِ پست دنیا
متاع خویش را در وی گشودم

همه سرمایه را از دست دادم
بیامد پیری و از پافتادم

در این محنت سرا چون پا نهادم
برفت عمر من و طی شد جوانی

به دام دیونفس خود قتادم
سراسر معصیت بود و فسادم

به دنیای دنی چون پا نهادم
مرا زین آمدن در دارفانی

به کار خویشتن وامانده هستم
از این بخشنده‌گی شرمنده هستم

فقیر و بی‌کس و درمانده هستم
گرم دلبر ز لطفِ خویش بخشد

(۶)

چه خوش روزی که بینم روی یارم

مرا طالع بُود در سعدِ اکبر
مشامم گردد از بویش معطر

اگر وصلش مرا گردد میسر
بینم گیسوانِ مُشک فامش

مُدّام اندر سرِ راهش نشینم
رخ زیبا نگارِ او بینم

نهان گردید یارِ نازنینم
که شاید طلعم بیدار گردد

رُخم بر خاکِ پایِ او گذارم
به پایِ مقدمش جان را سپارم

چو خوش روزی که بینم روی یارم
شود روشن دو چشمم از جمالش

ز در آید بیند حالِ زارم
سرم را روی دامانش گذارم

خوش آن روزی که یارغم گسارم
غمِ هجرانِ دل با او بگویم

نشینم در کنار جویباری
بیایم انس و گیرم زوقراری

چه خوش باشد که با زیباتگاری
شوم سرمست از صهبای مینو

(۷)

نباشد آندهم از جان سپردن

گل از گلزارِ زیبایش بچیند
دهد جان چون که رخسارش ببیند

خوشا آن کس که یارش نشیند
شود غم از دلش بیرون، و خندان

که از هجرانِ دلبر بی‌قرارم
دگر هیچ آرزو در دل ندارم

من آن شوریده‌حالِ دل‌فگارم
در این عالم به غیر از وصلِ آن یار

دلیم در اضطراب و بی‌سکون است
چو شام‌تارِ روزم فیرگون است

مرا اندوه و غم از حد فزون است
همی سوزم ز هجرانِ رخِ یار

اگر محبوبِ بینم وقتِ مردن
نباشد آندهم از جان سپردن

چه باکم باشد از اندوه خوردن
چو گیرد دستم آن یار وفادار

(۸)

خدایا عمر من آمد به پایان

خدایا عمر من آمد به پایان
ندارم بهر رفتن هیچ زادی

به حق رهرو مناج «آسری»
کز عرش و فرش پابنهاد بالا

خداوندا تو را من بنده هم
به چارده آفتاب برج عصمت

نما احسان به من ای حیّ داور
علی چهار و محمد چهار و زهرا

(۹)

از رحم و از مروّت دیگر نشان نباشد

ای خسرو زمانه کز توبه پا جهان است،
تاریک باشد عالم، ظلم و ستم فراوان
دستور و حکم قرآن رفت از میان مردم
«منکر» به جای «معروف»، «معروف» جای «منکر»
مهر و صفا و شفقت، شرم و حیا و عفت
از رحم و از مروّت دیگر نشان نباشد
در نزد قوم نادان شد بندگی فراموش
آن کس که ماند باقی در راه دین و ایمان
از کیدهای دوران سرگشته و پریشان
شاهها «عزیز مسکین» با سوز و آه و ناله

(رمضان ۱۳۹۵ - ۱۳۵۴ شمسی)

(۱۰)

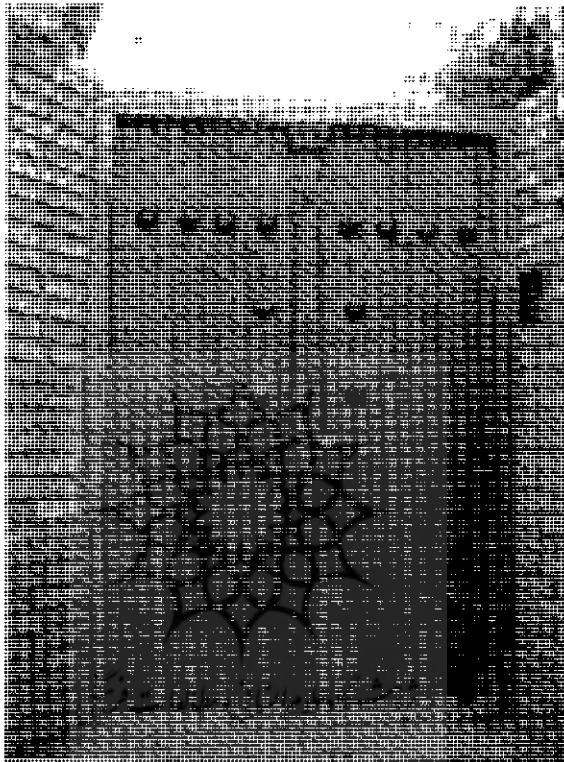
تا چند باشی ای گل پنهان ز دیدگانم

باد صبا گذر کن یک دم به گوی جانان	بر گو به دلیر من آن سرو نازِ خوبان
اندر کدام شهر است ماوا و منزل تو	باشی به دشت و صحرا یا طرفِ کوهساران؟
یک دم خرام ای مه، از پرده رخ عیان کن	گیتی نما منور ای آفتابِ رخشان
تا چند باشی ای گل پنهان ز دیدگانم	هر صبح و شام گریم چون ابر در بهاران
از دوری‌ات بنالم با سوز و آه و افغان	چون بلبلانِ بی‌دل بر طرفِ شاخساران
بنما نظر به‌حالم، روزم چو شام تار است	تاب و توان ندارم، دردم نما تو درمان
مپسند بر من زار کز هجر تو بسوزم	آتش مزن به جانم، قلب مرا مسوزان
ترسم که من بمیرم روی تو را نبینم	بر من عنایتی کن حق خدایِ رحمان
بالمین من قدم نه در وقت دادنِ جان	بینم رخِ نکویت ای روح و راج و ریحان
باشد «عزیز مسکین» چون مور ناتوانی	بر او تفقدی کن ای وارثِ سلیمان

(رمضان ۱۳۹۵ ق - ۱۳۵۴ شمسی)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

محل سکونت حاج شیخ عزیزالله علیمرادیان



دری که چندین دهه به روی مردم باز بود

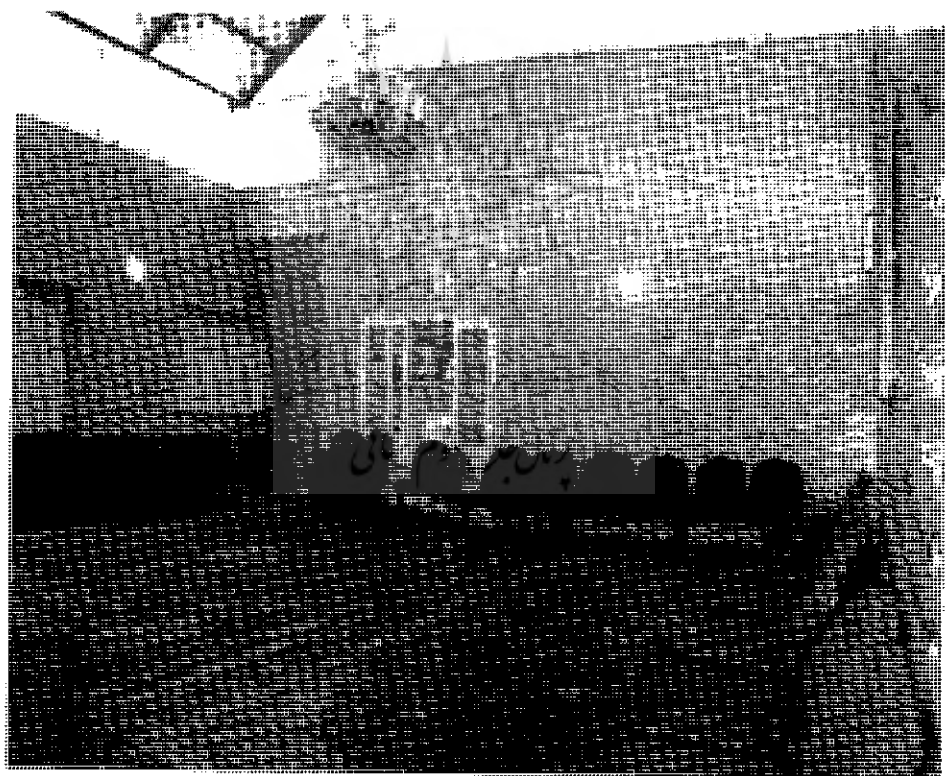
ساده زیستی آیت‌الله علیمرادیان در قم و در نهاوند، چه در دوران طلبگی و چه پس از آن، از شاخصه‌های بارز و ارزشمند ایشان بود. از جمله محل سکونت ایشان در قم و در نهاوند، که خانه‌هایی عادی و معمولی بود، عملاً برای همه (روحانی و غیر روحانی) الگویی از یک زندگی ساده و به دور از تشریفات و تجملات تلقی می‌شد و پیام سازنده داشت.

ایشان پس از عزیمت به قم، در سال‌های تحصیل علوم حوزوی و تشکیل خانواده، در محله‌ی ارک قم معروف به «یخچال قاضی»، که محل سکونت اکثر علمای طراز اول آن روز بود، خانه‌ای به صورت استیجاری برای سکونت برگزید و تا آخرین سال اقامت در قم همان‌جا زندگی می‌کرد. در سال‌های بازگشت به نهاوند (حدود ۱۳۲۳) که بنا به درخواست پدرش مرحوم حاج کریم علیمیرادیان و موافقت حضرت آیت‌الله بروجردی انجام گرفت، ابتدا در منزل پدری واقع در کوچه‌ی مسجد حاج خدارحم ساکن شد و چند سال بعد در منزل مرحوم حاج خدارحم (قلا مسجد) سکونت نمود. حاج شیخ در این هفت هشت سالی که هم‌چنان مستأجر بود، رسیدگی به امور دینی و اجتماعی مردم را عمدتاً در مسجد حاج خدا رحم و سپس در مدرسه‌ی علمیه سرخیابان انجام می‌داد.

تا این که حدود سال ۱۳۳۰ در محل فعلی (محله‌ی سرخیابان، خیابان شریعتی)، که با هزینه‌ی مرحوم پدرش ساخته شد، سکونت نمود و عملاً صاحب‌خانه گردید. طراحی و احداث این خانه به عهده‌ی مرحوم سید یحیی صدیقی از معماران معروف آن روزگار و عملیات بنایی آن به وسیله‌ی آقایان مرحوم عیسی عبداللهیان و پسرش آقای حاج شکرالله عبداللهیان انجام پذیرفت. *گاه‌نگار علم‌انانی و مطالعات فرهنگی*

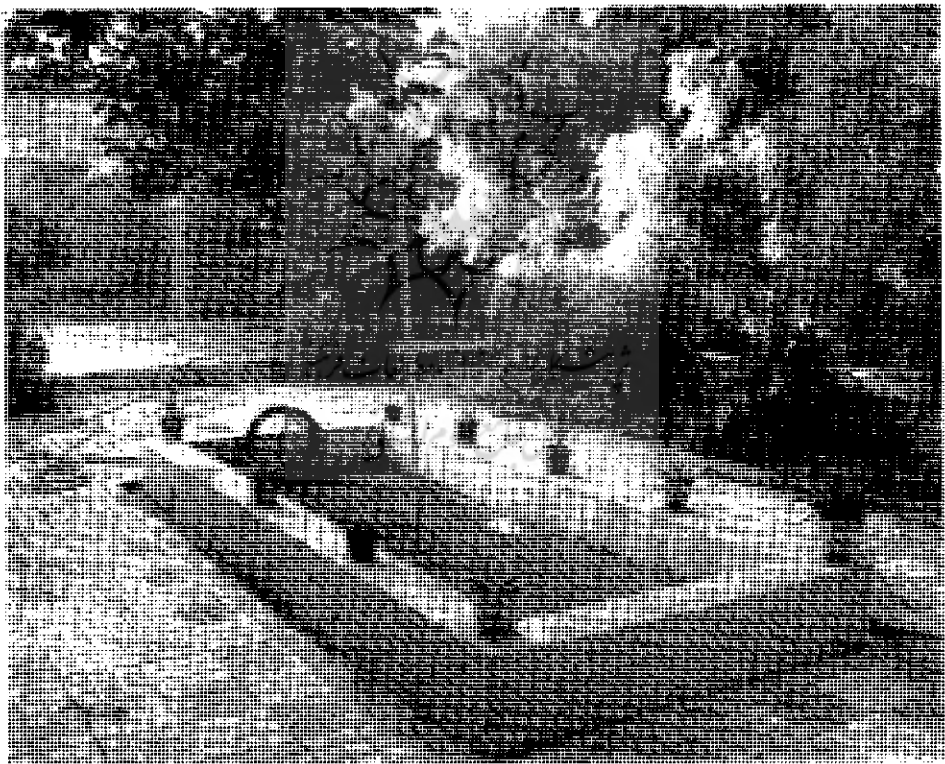
در کنار خانه، محوطه‌ای احداث گردید که از آن به صورت «حیاط خلوت» استفاده می‌شد. بعدها به دستور مرحوم حاج آقا این محوطه با تغییراتی به صورت سالن اجتماعات درآمد و در زمان حیات ایشان از آن به عنوان پایگاه و محل تشکیل جلسات اجتماعی و دینی (از جمله برگزاری اعیاد، جشن‌ها، روضه‌خوانی و مراسم دعای ندبه و سمات و ...) استفاده می‌شد. معمولاً در خانه‌ی علما این چنین اتاق‌هایی وجود دارد که به «حسینیه» معروف هستند.

این حسینیه در دوران انقلاب و اوج خشونت‌های ضد مردمی رژیم پهلوی به دستور حاج آقا مرکز توزیع مایحتاج عمومی و لوازم و داروهای پزشکی گردید. سال‌ها پس از ارتحال حاج شیخ، این مجموعه به همت آقای مهندس محمدحسین علیمردیان در سال ۱۳۷۵ تعمیرات اساسی شد و «حسینیه»ی آن بیش از پیش تکمیل و تجهیز گردید و از آن پس، هم‌چنان در مناسبت‌ها محل برگزاری جلسات دینی است.



محل دیدار آیت‌الله علیمردیان با مردم و حسینیه‌ی فعلی

یاد آور می‌شود که حیاط این خانه از جهت درخت میوه، گل کاری و گل‌های پیوندی زبانزد بود و هست و مردم می‌دانستند علاقه‌ی شخصی حاج شیخ به طبیعت زیبا و فضای سبز و عطر آگین موجب چنین آفرینشی شده‌است، کما این که محوطه‌ی مدرسه‌ی علمیه‌ی سر خیابان نیز در آن سال‌ها که خود حضور مستمر داشت - این چنین بود- و این خود درس آموزنده‌ی دیگری از اسلام برای مردم است که انس با طبیعتِ پر بار و سبز را در متن زندگی خود قرار دهند. بی‌مناسبت نیست قسمتی از خاطرات سر دبیر فرهنگان را در این خصوص ملاحظه کنیم.



حیاط خانه‌ی آیت‌الله علیمرادیان با طبیعتی فرح‌افزا و دل‌پذیر

«در این باره خاطره‌ای - هرچند جزئی، در عین حال بسیار مهم و آموزنده برای این بنده - از یک دیدار با آن حضرت نقل می‌شود.

روزی از سال‌های نیمه‌ی دوم دهه‌ی سی، از طریق مرحوم حاج شاه‌مراد عبدالملکیان (که از جمله ارادتمندان جدی و دائمی حاج شیخ و شوهر همشیره‌ی این جانب بود) پیامی از حاج شیخ دریافتیم که به خدمتش برسم. بدون فوت وقت در عصر روزی که رخصت داده بود در منزل مسکونی حاج شیخ، به خدمتش شتافتم. ایشان که در یافته بود من در کار کشاورزی درس خوانده و به کار ترویج کشاورزی مشغول شده‌ام، از من خواست تا چند نمونه از گل سرخ‌های داخل منزلش را پیوند بزنم. من هم با کمال میل پذیرفتم و مشغول شدم.

حاج شیخ از پیش پیوندک‌های مرغوب و مطلوب خود را تدارک دیده بود. در تمام مدتی که در پای چند بوته نشسته و مشغول به پیوند زنی بودم، حاج شیخ با دقت و توجه کامل عملیات مرا تعقیب می‌کرد، آن‌چنان که احساس می‌کردم که می‌آموخت. در عین حالی که مرا می‌آزمود.

چه آن‌که توجه و بصیرت وی در مراحل عملیات، به خوبی نشان از مهارت عملی وی در این کار می‌داد. ولی من هرگز به خود جرئت نمی‌دادم که در این باره از ایشان مطلبی بپرسم. شگفتا که همواره مترصد بود که اگر ابزار و وسایلی برای تکمیل کار خود نیاز داشتم فوری برایم فراهم کند. هرچند بنده هم هرگز چنین وانمود نکردم حتی اگر واقعاً هم نیاز داشتم. هنوز هم پس از سالیان دراز، گل‌های سرخ و محمدی زیبایی باغچه‌های داخل حیاط مدرسه و مسجد سر خیابان چشم نواز همگان است. هم‌چنان که در سال‌های اخیر که به مناسبت‌های گوناگون به منزل مرحوم حاج شیخ، (که هم‌اکنون به همت ورثه‌ی بزرگوارش به صورت یک یادگار جاوید حفظ شده است) رفت و آمد

داشتم، درختان میوه‌ی پیوندی متعددی را سالم و خوش قواره، در انبوهی از گل و گیاهان زینتی در حیاط این منزل یادگاری دیدم که هم‌چنان برای مدعوین و مراجعین فرح افزا و دل‌پذیر است.» (از خاطرات دکتر اسماعیل شهبازی)



هم‌اکنون نیز حسینیه‌ی آیت‌الله علیمرادیان به روی مردم باز است

سال‌های پایانی حیات آیت‌الله علیمرادیان

دامنه‌ی عمر این شخصیت ممتاز و عالم ربانی با شکست رژیم مستبد پهلوی و پیروزی اسلام و برپایی جمهوری اسلامی ایران به رهبری مرجع بزرگوار امام خمینی (ره) حال و هوای دیگری یافت. اما افسوس که کهولت سن و بیماری شدید، توفیق ادامه‌ی خدمت و افاضه‌ی علمی و معنوی را از ایشان سلب کرد و مردم وفادار و قدرشناس شهرستان نهاوند، در دوران استقرار جمهوری اسلامی، سه چهار سال بیش‌تر نتوانستند از محضرشان بهره‌مند شوند.

با این وجود، در همین اوایل انقلاب، این عالم ربانی از هیچ کمکی در جهت احیای دین و نجات دین‌داران دریغ نمی‌ورزید و برای یاری مردم نهاوند همواره آماده بود. حتی به ارسال کمک‌های دارویی و غذایی می‌پرداخت و همواره پیش قدم بود. در مورد این مرحله از زندگی آن بزرگوار می‌خوانیم: «آیت‌الله علیمرادیان و حجت‌الاسلام شهبازی و نزدیکانشان نیز برای رفع مظلومه‌ها و کمک به مردم مظلوم نهاوند تلاش بسیار داشتند.»^۱

رحلت

سرانجام، آیت‌الله علیمرادیان بعد از عمری تلاش و کوشش در راه خداوند و اجرای احکام و دستورات الهی در روز هفتم اردی‌بهشت ماه سال ۱۳۶۱ هجری شمسی مطابق با سوم رجب سال ۱۴۰۲ هجری قمری در ۷۵ سالگی (به تقویم شمسی) به دعوت حق

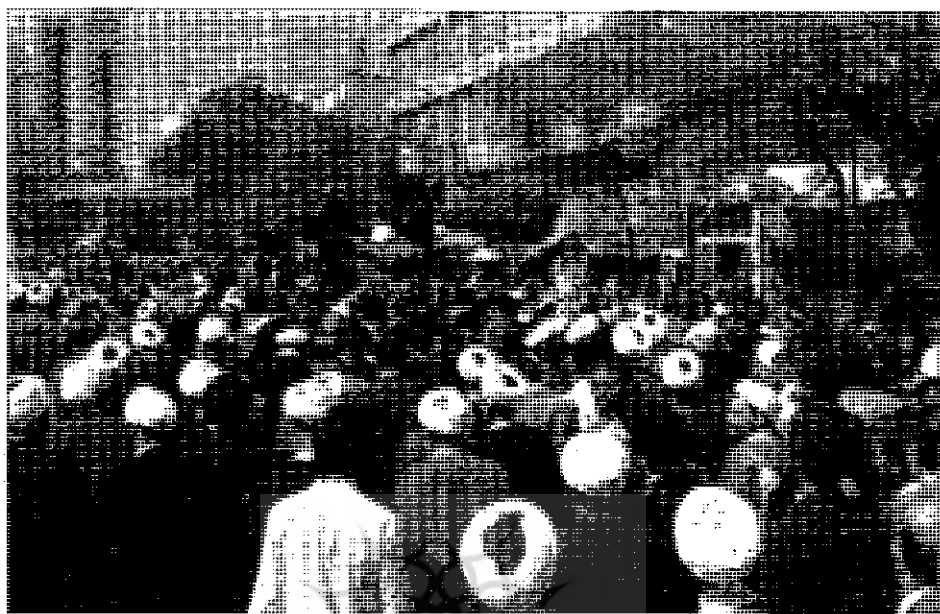
۱- علی حسینی، محمدرضا، ستاره‌های ابودر، انتشارات آشتی، ۱۳۷۸، تهران، ص ۱۱۰

لیک گفت و به سرای باقی شتافت. به هنگام وفات ایشان حضرات آیات عظام گلپایگانی و مرعشی نجفی از این ضایعه‌ی دردناک اظهار تأسف نمودند.

با انتقال جنازه‌ی معظم‌له از زنجان به قم، با حضور و شرکت هزاران نفر از اقشار مختلف شهرستان‌های قم، نهاوند و تهران و در کنار علما، فضلا، روحانیون محترم مقیم قم و در پیشاپیش ایشان، حضرت آیت‌الله العظمی گلپایگانی و حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، از آن مرحوم تجلیل شد و جنازه را از مسجد امام حسن (ع) تا حرم مطهر حضرت معصومه (س) تشییع نمودند و حضرت آیت‌الله العظمی گلپایگانی در مسجد موزه (حرم مطهر) بر جنازه‌ی ایشان نماز خواند و پس از مشورت با بیت آیت‌الله العظمی گلپایگانی، جنازه را در یکی از مقبره‌های حرم مطهر (مقبره‌ی شهید مفتاح) در جوار حضرت معصومه سلام‌الله علیها به خاک سپردند.^۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- هم‌چنین مراجعه شود به کتاب ستارگان نهاوند، تألیف حجت‌الاسلام علی مصباح، قم، انتشارات نورالسجاد، ۱۳۸۲، ص ۱۰۰



صحنه‌هایی از مراسم تشییع جنازه‌ی آیت‌الله علیمرادیان در قم



صحنه‌های دیگری از مراسم تشییع جنازه‌ی آیت‌الله علیمیرادیان با حضور آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی



مراسم برگزاری نماز بر جنازه‌ی آیت‌الله علیمرادیان توسط آیت‌الله العظمی گلپایگانی در قم،

حرم مطهر



صحنه‌ی دیگری از مراسم تشییع جنازه‌ی آیت‌الله علمیرادیان در حرم مطهر معصومه (س) در قم

آیت‌الله علیمرادیان از نگاه پزشکان^۱

گرچه از هر ماتی خیزد غمی
 فرق دارد ماتی با ماتی
 لاجرم در مرگ مردان بزرگ
 عالمی‌گرید برای عالمی

۱- سیمای ظاهری

آیت‌الله علیمرادیان، صاحب اندامی متناسب و برازنده بود. بلندای صد و هشتاد سانتی‌متری قامت و سنگینی قریب به هشتاد و چند کیلویی ایشان زیبایی خاصی به جسم او داده بود. با آن که در سالیان آخرین عمر حدود ده کیلو اضافه وزن پیدا کرده بود اما استواری قامت و ستبری شانه‌ها، او را هم‌چنان در جمع اطرافیان و مردم متمایز می‌کرد. سیمایی کشیده و معصومانه داشت. ابروان پر پشت ایشان دیدگان درشت و پر فروغی را در چشم‌خانه محافظت می‌کرد که با وجود سال‌ها مطالعه، او را به عینک محتاج نساخته بود. محاسن سفیدش در اواخر عمر جذابیت و مهربانی خفته در عمق صورتش را دوچندان کرده بود.

درد مفاصل خصوصاً زانو، ناشی از بیماری‌های آرتروز و نقرس، ایشان را به استفاده‌ی زود هنگام از عصا مجبور کرده بود. هنگام حرکت آهسته و شمرده گام

۱- با تشکر از پزشک همشهری آقای دکتر عبدالله شهبازی که با تکیه بر مشاهدات و دریافت‌های خود و پزشکان معالج آیت‌الله علیمرادیان این بخش را تهیه کرده است. «محمدجعفر شهبازی»

برمی‌داشت. با آن که در سال‌های پایانی عمر از کاهش شنوایی رنج می‌برد اما با ذکاوتی خاص حتی سلام‌های آهسته را بی‌پاسخ نمی‌گذاشت. آراسته و تمیز لباس می‌پوشید و همواره خوشبو و معطر بود.

حاج شیخ در انتخاب جنس پوشاک شدیداً مقید به احکام شرع مقدس بود. بارها پیراهنی را که دکمه‌ی صدفی داشت نپوشیده رها می‌کرد، زیرا اعتقاد داشت در استفاده از لباسی که دکمه‌ی صدفی دارد باید احتیاط کرد.

بهداشت جسم را هم چون بهداشت روح اهمیت می‌داد. به طوری که از استعمال دخانیات بر حذر بود و زیست زاهدانه‌ی خود را از هر آلاینده‌ی جسمی دور نگه می‌داشت و با وجود درد مفاصل، به پیاده‌روی روزانه ادامه می‌داد.

۲- عوارض جسمی:

آیت‌الله علیمرادیان با وجود رعایت بهداشت جسم و جان، به دلیل داشتن مسئولیت‌ها و دلواپسی‌های مردمی و تحمل فشارهای شدید ناشی از آن، چندین بار دچار عارضه‌های جسمی شد و برای درمان آن‌ها در بیمارستان بستری گردید.

از جمله در اواسط دهه‌ی چهل چهار خون‌ریزی دستگاه گوارش می‌گردد و پس از اعزام به کرمانشاه در بیمارستان دکتر کرمانشاهی تحت درمان قرار می‌گیرد. مجدداً با عود این عارضه به تهران عزیمت می‌کند و این بار، ادامه‌ی درمان در بیمارستان دکتر هشترویدیان به عمل جراحی منجر می‌شود. در سال پنجاه‌وسه به بیماری «گیلن باره»^۱

۱- بیماری گیلن باره (Guillain Barre Syndrom) یکی از اشکال پلی‌نوریت‌هاست که غالباً متعاقب یک بیماری عفونی ویرال یا باکتریال شروع می‌شود. علت آن نامشخص است. علائم بالینی به شکل

مبتلا می‌شود به طوری که این عارضه به فلج اندام‌های فوقانی و تحتانی منجر می‌گردد. ایشان در بیمارستان آپادانای تهران بستری می‌شود و حدود دو هفته دچار بی‌حرکتی کامل اندام‌ها می‌گردد.

در همان ایام، در روزهای پایانی بستری در بیمارستان، آیت‌الله العظمی حاج سید احمد خوانساری به ملاقات ایشان می‌آید و با این که فلج اندام‌های ایشان کاملاً برگشت نکرده بود اما نیرویی اعجاب‌انگیز باعث می‌شود، به نشانه‌ی ادب و احترام به استاد، از روی تخت بلند شود و در حالت نشسته با ایشان به گفت‌وگو بپردازد.^۱

آن عزیز، سال‌ها از بیماری پرفشاری خون، بالا بودن چربی خون (هایپرلیپدمی) و بیماری نقرس رنج می‌برد. هرگاه پزشک بر بالین ایشان حاضر می‌شد با او فروتنانه برخورد می‌نمود و تکریم از آنان را در هیچ حالتی فراموش نمی‌کرد. تمامی پزشکانی که ایشان را معاینه کرده‌اند بر این نکته اذعان دارند که به هنگام معاینه به‌رغم گرفتگی خلقِ ناشی از کسالت تن، هم‌چنان با سرزندگی و بذله‌گویی ایشان مواجه می‌شدند و این ملاقات‌ها برای آنان به لحظاتی خوش و شادی آور تبدیل می‌شده است.

فلج سیمتریک (قرینه) و شل‌پاهاست که در نواحی فوقانی اندام در ناحیه‌ی عضلات لگن و ران شدیدتر است. در مواردی این نوع فلج، شکل بالا رونده به خود می‌گیرد و عضلات تنه و تنفسی و اندام فوقانی را گرفتار می‌کند. پیش‌آگهی این بیماری در مواردی خوش‌خیم به شکل برگشتی و در مواردی دیگر به صورت ماندگار بودن، علائم بدخیم بودن است.

۱- با بهبود نسبی حال آیت‌الله علمیرادیان و تصمیم به مراجعت، خبر سلامتی و بازگشت ایشان موجبی از شفق ایجاد می‌کند و مردم جهت استقبال از ایشان به اتفاق مرحوم آیت‌الله شیخ محمدولی حیدری و سایر علمای شهر با اتوبوس‌های متعددی مملو از جمعیت مردم و هیئت‌های حسینی به بروجرد عزیمت می‌کنند و حاج شیخ را که در بیت حضرت آیت‌الله العظمی علی محمد بروجردی (مرجع تقلید) وارد شده بود دیدار می‌نمایند و به همراه ایشان با شکره زایدالوصفی به نهاوند برمی‌گردند. (نقل از آقای امیرحسین جلالوند)

تکیه کلام خاص ایشان در برخورد با پزشکان معالجتش به یاد ماندنی است. ایشان هر گاه از ناراحتی خاصی رنج می‌برد به حالت مزاح به پزشک می‌گفت: «من به یکی از نشانه‌های غرور جوانی دچار شده‌ام». در هنگام معاینه شدن، با لحن خاص خود و رعایت آداب کلام، پزشکان را به دستگیری از بیماران نیازمند فرا می‌خواند و غالباً راه حل هم ارائه می‌داد و می‌فرمود: «یک پزشک می‌تواند معادل مبلغ ریالی ویزیت، هر تعداد بیمار مستمند را رایگان درمان کند و آن را بابت سهم امام محاسبه نماید.»

۳- آخرین عارضه

شامگاه روز بیست و هشتم فروردین سال ۱۳۶۱ آیت‌الله علیمرادیان دچار حمله‌ی قلبی می‌شود. آقای دکتر جمشید معصومی که ده سال پزشک حاج آقا بوده است آخرین دیدار خود را با آیت‌الله علیمرادیان چنین توصیف می‌کند. «آن روز به وسیله‌ی تلفن اطلاع دادند که ایشان دچار کسالت شده‌است. بنده فوراً در منزل به بالین ایشان شتافتم. حاج آقا دچار درد شدید در ناحیه‌ی قفسه‌ی صدری شده بود. عرق سردی سرو صورتشان را پوشانده بود. در معاینه‌ی بالینی افت فشار خون داشت و با تشخیص سکته‌ی قلبی تحت درمان قرار گرفت.»

حاج آقا وقتی متوجه اضطراب اطرافیان و تأثر شدید بنده شد در حالی که از آن درد به شدت^۱ رنج می‌برد رو به من کرد و با لبخندی فرمود: آقای دکتر نگران نباشید این هم

۱- درد انفارکتوس قلبی (MI)، بنا بر کتاب‌های رفرانس پزشکی، شدیدترین دردی است که فرد مبتلا در زندگی خود تجربه می‌کند و به فرو بردن خنجر در قفسه صدری تشبیه می‌شود. این درد، در ساعت‌های اولیه‌ی بیماری، حتی با تجویز مُرفین هم کاملاً کنترل نمی‌شود.

از عوارض غرور جوانی است. آن‌گاه در حالتی که چشمانش را به نشانه‌ی دعا و نیاز به آسمان دوخته بود، با قیافه‌ای جدی گفت: شما کار خود را بکنید و توکل به خدا داشته باشید. مطمئناً هر آن‌چه اراده‌ی باری تعالی باشد همان اتفاق خواهد افتاد.

برای من، کنترل اعجاب آور ایشان بر آن درد وحشتناک و لبخند ملیح نشسته بر لبانش و بذله‌گویی در آن حالت، خاطره‌ای شگفت و فراموش نشدنی است. تسلیم شدن به اراده‌ی خداوند و داشتن توکل مطلق به حضرت حق در آن لحظات بحرانی، به بنده روحیه‌ای صد چندان برای درمان ایشان داد. «

با آن‌که هر بیماری در چنین لحظاتی نیازمند است که روحیه‌اش از سوی پزشک تقویت شود تا بتواند درد و رنجوری را تحمل کند، ولی ایمان والای ایشان به اراده‌ی خداوندی نه تنها غلبه بر درد جانکاه سکت‌های قلبی را امکان‌پذیر ساخت، که آرامش ایشان موجب تقویت روحیه‌ی اطرافیان می‌شد.

خانواده‌ی نگران ایشان، سعی می‌کنند حاج آقا را متقاعد سازند تا برای درمان در مراکز مجهز آماده‌ی سفر شود و چون در این تلاش توفیقی به دست نمی‌آورند چاره‌جویی برای این مشکل را به آقای دکتر معصومی واگذار می‌کنند. ایشان هم به استراحت مطلق توصیه می‌کند و سه روز بعد برای ادامه‌ی درمان انتقال از نهاوند را ضروری می‌داند.

حاج شیخ ابتدا با اعتماد به اطبای همشهری از دکتر معصومی می‌خواهد همکاری در نهاوند امکان‌پذیر است انجام دهند تا ضرورت این سفر منتفی شود. بعد از آن دست به استخاره می‌زند و با آن‌که جواب آن، سفری پر دردسر را نشان می‌دهد، در برابر

توصیه‌ی پزشک برای کنترل بیماری تسلیم می‌شود و جهت استفاده از امکانات درمانی مراکز مجهزتر به انجام این سفر رضایت می‌دهد.

سه روز بعد یعنی در اولین روز اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۱ به زنجان مسافرت می‌کند و در منزل برادرش دکتر ماشاءالله علیمرادیان تحت درمان قرار می‌گیرد. روز پنجم اردیبهشت فرزند خود را به بالین فرا می‌خواند و ضمن یادآوری و بیان سفارش‌های لازم به ایشان، اظهار می‌دارد که احساس می‌کنم لحظه‌ی دیدار حضرت دوست بسیار نزدیک است.

روز بعد سایر فرزندان و نزدیکان را که در مراسم سوگ شهادت نوه‌ی ایشان شرکت کرده بودند از تهران به زنجان فرا می‌خواند و بعد از دیدارشان، روز هفتم اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۱ در ۷۵ سالگی در همان جا روحش از زندان جسم به ملکوت اعلا پرواز می‌نماید و این چنین شهرستان نهاوند در فراق یکی از ذخایر علمی و اجتماعی خود در صد سال اخیر سوگوار می‌گردد.

گمان مبر که به پایان رسید کار مُغان هزار باده‌ی ناخورده در رگ تاک است

خلأ جبران نشدنی



همان‌طور که از معصومین (ع) نقل شده است با رحلت یک عالم ربانی تلمه و شکافی ایجاد می‌شود که جبران و ترمیم آن ممکن نیست. مرحوم آیت‌الله علیم‌رادیان

مصدق چنین حدیثی است و ضایعه‌ی از دست رفتن ایشان موجب خسرانی سنگین برای امت اسلام، خصوصاً همشهریان نهاوندی گردید.

فقدان این روحانی آگاه هنوز هم در منطقه احساس می‌شود و مردم این شهر همواره با حسرت و تأسف از درگذشت او یاد می‌کنند. این مرد بزرگ تمامی دوران پهلوی دوم را در نهاوند به خدمات ارزشمند ادامه داد.

جای گزاف نیست اگر بگوییم در تاریخ معاصر نهاوند و دوران پهلوی دوم، مهم‌ترین شخصیتی که در این شهرستان بیش از دیگران پشتوانه‌ی دین و حامی دینداران بود و در بین مردم نقش تأثیرگذار داشت، آیت‌الله علمیرادیان بوده است.

می‌دانیم شرایط حکومتی و سیاسی آن‌سال‌ها در کشور، از جمله در شهرستان نهاوند، به گونه‌ای بود که اغلب شخصیت‌ها و مبلغین دینی در تنگنا قرار می‌گرفتند و ناگواری‌های تحمیلی نظام پهلوی، رغبت ماندن و ادامه‌ی تبلیغ را از آنان سلب می‌نمود و بعد از مدت کوتاهی نهاوند را ترک می‌کردند.

از این رو می‌توانیم ادعا کنیم حضور و وجود ثابت و استوار و دراز مدت چنین عالمی معنوی بود که محور و تکیه‌گاه فعالیت‌های مذهبی دیگران شد به طوری که نهاوند، در آن دوران دین‌زدایی، از متدین‌ترین شهرهای ایران به شمار می‌آمد.

از برکت وجود چنین شخصیتی مراسم دینی رونق خاصی داشت، به ویژه مراسم عزاداری سالار شهیدان امام حسین (ع)، که با همت ایشان، باشکوه خاصی برگزار می‌شد. خاطرات مردم نهاوند از این تلاش‌ها فراوان است.

امید است روزی این خاطرات سازنده که در حافظه‌ها و سینه‌های معمرین است، هرچه زودتر از صورت شفاهی به صورت کتبی درآید و در یک مجموعه به صورت کتابی مستقل چاپ شود و در اختیار عموم - به خصوص نسل جوان نهاوندی - قرار گیرد.

وفات آیت‌الله علیمرادیان، آن هم بعد از درگذشت و شهادت روحانیون دیگری از نهاوند مانند آیت‌الله محمدولی حیدری (سال ۱۳۵۲)، فرزندش شهید آیت‌الله محمدعلی حیدری (از شهدای هفت تیر ۱۳۶۰) و شهید آیت‌الله علی قدوسی دادستان کل انقلاب (۱۳۶۰)، بیش از پیش این شهرستان را در خلأ و محرومیت دینی و روحانی قرار داد. در عین حال برکات وجودی حاج شیخ، به دلیل خدمات طولانی و درازمدت ایشان هم‌چنان در نهاوند جاری و ساری است.

در این جا به زندگی‌نامه‌ی آیت‌الله علیمرادیان خاتمه می‌دهیم، هرچند معترفیم که همه‌ی ابعاد گوناگون زندگی این شخصیت بزرگ در این مختصر نیامده است.

البته با مطالعه‌ی بخش دوم که به مصاحبه‌ها و بیان خاطرات علما و مراجع، دوستان، شاگردان، همشهریان و بستگان معظم‌له اختصاص دارد ویژگی‌های دیگری از آن بزرگوار را ملاحظه خواهید کرد. در عین حال امیدواریم مطلعان و صاحبان قلم، به خصوص روحانیون مرتبط با ایشان، به یاری و کمک برخیزند و با ارسال خاطرات و نوشته‌های خود، از جمله درباره‌ی تألیفات، ترجمه‌ها و شروح ایشان بر کتب فقهی به فصل‌نامه‌ی فرهنگان، زمینه‌ی چاپ و انتشار و اطلاع‌رسانی آن‌ها را برای علاقه‌مندان و همشهریان فراهم نمایند.

